



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

همراه با شماره / ۱۲۶



فردای روشن

مبانی فرائی بیانیه گام دوم
انقلاب اسلامی

كُرِّمَ اِنْ كُنْتُمْ لَا

تُكُونُونَ الطَّعَامَ

عِدْفًا فَاُنَجِّينَهُمْ وَه

اَنْزَلْنَا اِلَيْكُمْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرداي روشن : مباني قرآني بيانیه گام دوم انقلاب اسلامي

نویسنده:

محسن قرائتي

ناشر چاپي:

معاونت فرهنگي آستان قدس رضوي

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	فردای روشن : میانی قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	فهرست
۱۶	مقدمه
۱۸	تاریخ گذشته
۲۱	از عقب ماندگی شرم آور تا پیشرفت های شگفت آور
۲۳	ویژگی های انقلاب و نظام اسلامی ایران
۲۹	۱. توجه به تاریخ
۳۱	۲. توجه به نوآوری ها
۳۲	۳. استقلال
۳۳	۴. آزادی
۳۷	۵. جمهوری اسلامی
۳۷	۶. تقابل اسلام و استکبار
۳۸	۷. توجه به نعمت های خاص
۳۹	۸. پاک سازی و طرد افراد نفوذی
۴۱	۹. عزت
۴۲	۱۰. توجه به نقش جوانان
۴۵	۱۱. پایداری
۴۶	۱۲. دستاوردهای جمهوری اسلامی
۴۹	۱۳. مدیریت جهادی
۴۹	۱۴. عزت، حکمت، مصلحت
۴۹	۱۵. داشته ها و سرمایه ها

۵۱	۱۶. رکود و توقف ممنوع!
۵۲	۱۷. توجه به ظرفیت ها
۵۲	اشاره
۵۳	الف. ظرفیت های انسانی
۵۴	ب. ظرفیت های مادی
۵۴	ج. ظرفیت های انقلاب اسلامی
۵۴	۱۸. نگاهی به تفاوت ها
۵۴	اشاره
۵۵	۱. چالش ایران با آمریکا
۵۵	۲. چالش غرب با ایران
۵۵	۳. تصور آمریکا از ایران
۵۶	۱۹. توجه به شباهت ها و نمونه های تاریخی
۵۸	۲۰. توجه به بایدهای پیش رو
۶۱	۲۱. عدالت نسبی؛ نه عدالت مطلوب
۶۴	۲۲. توجه به اقدامات دشمن
۶۴	اشاره
۶۶	علل گمراهی مردم از دیدگاه قرآن
۶۸	۲۳. توجه به اقتصاد
۷۰	۲۴. رعایت اولویت ها
۷۱	۲۵. اقتصاد هدفمند
۷۲	۲۶. تعدیل ثروت
۷۳	۲۷. نکاتی درباره اقتصاد اسلامی
۷۴	۲۸. توجه به معنویات
۷۴	اشاره
۷۵	نگاه مادی و معنوی
۷۷	۲۹. توجه به هویت

۷۹	۳۰. نگاه جمعی
۸۰	۳۱. پویایی
۸۱	۳۲. پاک دستی و پارسایی
۸۳	کتابنامه
۸۸	مسابقه فرهنگی فردای روشن
۹۴	درباره مرکز

فردای روشن : مبانی قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

مشخصات کتاب

سرشناسه : قرائتی، محسن، 1324-

عنوان و نام پدیدآور : فردای روشن : مبانی قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی / نویسنده: محسن قرائتی؛ تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی؛ ویراستار محتوایی: جواد نشاطی زاده؛ ویراستار زبانی و صوری: سید حمید حیدری ثانی؛ ارزیاب علمی: جواد محدّثی

مشخصات نشر : مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی، 1398 .

مشخصات ظاهری : 84 ص.

شابک: 2- 685230 - 622 - 978

وضعیت فهرست نویسی : فیا

عنوان دیگر: مبانی قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

موضوع : خامنه ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 -- پیام ها و سخنرانی ها

موضوع : Khamene'i, Sayyed Ali -- Messages and speech

موضوع : خامنه ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 -- دیدگاه درباره انقلاب اسلامی

موضوع : Khamene'i, Ali, Leader of IRI, 1939-- Views on Islamic Revolution -- دیدگاه درباره قرآن

موضوع : جمهوری اسلامی ایران، 1318 -- دیدگاه درباره قرآن

موضوع : Khamene'i, Ali, Leader of IRI -- Views on the Qur'an

موضوع : ایران - تاریخ - انقلاب اسلامی، 1357 - جنبه های قرآنی

موضوع : Iran - History - Islamic Revolution, 1979 -- Qur'anic teaching

شناسه افزوده : نشاطی زاده، جواد، 1357-، ویراستار

شناسه افزوده : حیدری ثانی، سید حمید، 1363-، ویراستار

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات اسلامی

شناسه افزوده : Astan Qods Razavi . The Islamic Propagation Department

رده بندی کنگره : DSR 1564

رده بندی دیویی : 955/093

شماره کتاب شناسی ملی : 6036322

ص:1

اشاره

«اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ وَ أَكْرَمْنِي بِنُورِ الْفَهْمِ اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ انشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»⁽¹⁾ (خدایا، مرا از تاریکی های وهم خارج کن و به نور فهم گرامی ام بدار. خدایا، درهای رحمت را به روی ما بگشا و خزانه های علومت را برایمان باز کن؛ به مهربانی ات، ای مهربان ترین مهربانان!)

ص: 2

1- عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای مطالعه.

تقديم به: تقديم به ارواح قدسي ائمة معصومين (عليهم السلام)، به ويژه مولا و مقتداي زمان، حضرت بقيه الله الاعظم (عجل الله تعالى فرجه الشريف)؛ شهداي انقلاب اسلامي و دفاع مقدس؛ مدافعان مظلوم حرم اهل بيت و زائران آستان ملكوتي امام علي بن موسى الرضا (عليهما السلام)!

ص: 3

فردای روشن

مبانی قرآنی

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

محسن قرائتی

اردیبهشت 1398

ص: 4

مقدمه... 7

تاریخ گذشته..... 9

انقلاب و امروز 11

از عقب ماندگی شرم آور تا پیشرفت های شگفت آور... 12

ویژگی های انقلاب و نظام اسلامی ایران 14

1. توجه به تاریخ..... 20

2. توجه به نوآوری ها 22

3. استقلال 23

4. آزادی 24

5. جمهوری اسلامی ... 28

6. تقابل اسلام و استکبار 28

7. توجه به نعمت های خاص 29

8. پاک سازی و طرد افراد نفوذی 30

9. عزت..... 32

10. توجه به نقش جوانان..... 33

11. پایداری..... 36

12. دستاوردهای جمهوری اسلامی ... 37

1. اقتدار نظامی..... 37

2. اقتدار علمی 39

13. مدیریت جهادی..... 40

14. عزت، حکمت، مصلحت 40
- 15 . داشته ها و سرمایه ها..... 40
- 16 . رکود و توقف ممنوع! 42
17. توجه به ظرفیت ها..... 43
- الف. ظرفیت های انسانی 44
- ب. ظرفیت های مادی 45
- ج. ظرفیت های انقلاب اسلامی..... 45
18. نگاهی به تفاوت ها 45
1. چالش ایران با آمریکا 46
2. چالش غرب با ایران 46
3. تصور آمریکا از ایران 46

19. توجه به شباهت ها و نمونه های تاریخی..... 47
20. توجه به بایدهای پیش رو..... 49
21. عدالت نسبی؛ نه عدالت مطلوب..... 52
22. توجه به اقدامات دشمن..... 55
- علل گمراهی مردم از دیدگاه قرآن 57
23. توجه به اقتصاد ... 59
24. رعایت اولویت ها ... 61
25. اقتصاد هدفمند ... 62
26. تعدیل ثروت..... 63
27. نکاتی درباره اقتصاد اسلامی..... 64
28. توجه به معنویات..... 65
- نگاه مادی و معنوی..... 66
29. توجه به هویت..... 68
30. نگاه جمعی..... 70
31. پویایی..... 71
32. پاک دستی و پارسایی..... 72
- کتابنامه..... 74
- مسابقه فرهنگی..... 79

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین. اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم.

بر همه لازم است به پیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) توجه کنند که فرمودند فقهای عادلّی که مخالف هوای نفس اند، جانشینان ما هستند و در حوادث به آن ها مراجعه کنید: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُورَاهِ حَتَّى نَدِينَهَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.» (1) و (2)

امروز فقیهی که علما انتخابشان کرده اند و وظیفه همه ما اطاعت از ایشان است، رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) هستند که در حوادث واقعه، باید از فرمان و پیام آن بزرگوار اطاعت کنیم.

بهترین پیام ایشان بعد از ده ها سال تجربه و مدیریت و حکومت، بیانیه اخیری است که در 22 بهمن 1397 صادر کرده اند. این نامه نتیجه عمری تجربه همراه با تقوا و بصیرت است. بر آن شدیم که گوشه ای از مبانی قرآنی و روایی اش را بیان کنیم تا ان شاء الله در خط امام رضا (علیه السلام) قرار بگیریم. بر اساس فرموده آن حضرت، هرگاه از ایشان جمله ای شنیدیم، باید مبانی قرآنی آن را از خودشان بپرسیم تا بدانیم که سخنان ناب اهل بیت (علیهم السلام) برخاسته از قرآن است. (3)

اگر انسان بداند سخنی برخاسته از قرآن و حدیث و تجربه است، با اطمینان بیشتر آن را عملی می سازد. این بیانیه را می توان مبتنی بر

صدها

ص: 7

1- محمدبن حسن طوسی (شیخ الطائفه)، کتاب الغیبه، ص 291.

2- امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «... مَنْ كَانَ مِنْكُمْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيَرْضُوا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا...» (محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 1، ص 67) که طبق این روایت، منظور از روایان حدیث، فقیه و حاکم واجد شرایط است (نک: مرتضی انصاری، القضاء و الشهادات، ص 47 و 48).

3- نک: محمدبن عمر کشتی، اختیار معرفه الرجال المعروف برجال الکشتی، ج 2، ص 489 و 490.

آیه و حدیث دانست. مستندات بعضی از جملاتش را می آوریم و امید داریم دیگران آن را تکمیل کنند و خداوند آن را قبول فرماید و امت به آن نامه، با نگاهی خاص و تکلیف آور بنگرند. برای تحقق این هدف، از خداوند نیت پاک و استدلال روشن در سایه قرآن و روایات خواهانیم.

روح این بیانیه خوش بینی، امیدبخشی، ایمان به خدا و اعتماد به امت، با نگاهی به تاریخ گذشته و امکانات امروز و چشم انداز آینده است که در ادامه اجمالاً آن ها را مرور می کنیم.

ص: 8

در گذشته، حکومت ایران وضعیت نامناسبی داشت که به چند نمونه آن اشاره می شود:

* طاغوتی بود برخاسته از زور بیگانگان که مردم را به پیروی از خود وادار می کرد: «وَاتَّبِعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ» (1) و امام خمینی (رحمه الله) موسی گونه به سراغ آن طاغوت رفت: «إِذْ هَبَّ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى». (2) آن طاغوت، پادشاهی مستبد بود که شعار فرعون می داد: «مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى». (3)

* رژیم کودتایی، آن هم از نوع خارجی نه داخلی، و بدون آرا و پشتوانه مردم و بدون هیچ گونه لیاقت و سابقه و کمال بود؛ همان گونه که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در نامه ای به معاویه نوشتند: «... تونه سابقه درخشانی [در دین] داری و نه شرافتی والا و بلند [در زندگی]!» (4)

* حکومتی خودفروخته و وابسته، همراه با آلودگی اخلاق، تبلیغات ضد ارزش و انحصار بیشترین خدمات به پایتخت و مناطق بزرگ بود؛ در حالی که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرموده اند: «فَإِنَّ لِلْأَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَدْنَى». (5) و در جای دیگر رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «مَنْ تَقَدَّمَ عَلَى قَوْمٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ هُوَ يَرَى أَنَّ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الْمُسْلِمِينَ». (6) (هرکس بر گروهی از مسلمانان پیشی گیرد در حالی که

ص: 9

1- «و از فرمان هر ستمگر دشمن حق پیروی کردند!» (هود، 59).

2- «اینک به سوی فرعون برو که او طغیان کرده است» (طه، 24).

3- «من جز آنچه را معتقدم، به شما ارائه نمی کنم» (غافر، 29).

4- «بِغَيْرِ قَدَمٍ سَابِقٍ وَ لَا شَرَفٍ بَاسِقٍ» (علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، نامه 10).

5- «برای دورترین آن ها همان سهمی وجود دارد که برای نزدیک ترین آنان هست» (علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، نامه 53، خطاب به مالک اشتر، فرماندار مصر).

6- عبدالحسین امینی، موسوعه الخدیر فی الكتاب و السنه و الادب، ج 8، ص 411؛ محمد بن طیب باقلانی مالکی، تمهید الاوائل فی تلخیص الدلائل، ص 474 و 486.

می داند شخصی شایسته تر از او در میان آنان وجود دارد، به خدا و پیامبر او و مسلمانان خیانت کرده است.)

* غرب را الگو قرار می دادند، به جای آنکه طبق نص صریح قرآن، پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) الگو باشند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (1)

و به جای اطاعت از خدا، مردم را با ارباب و تهدید و تحقیر، به اطاعت وامی داشتند: «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ» (2).

* دچار عقب ماندگی های علمی، سیاسی و معنوی بودند؛ آن گونه که قرآن می فرماید: «وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (3) در آن اوضاع نامطلوب، مردم با اراده و شناخت و بصیرت، دور امام خمینی (رحمه الله) جمع شدند و ابراهیم واریت های موهوم را درهم شکستند و بار دیگر، آیه «فَجَعَلَهُمْ جُودًا» (4) نمود پیدا کرد.

خداوند انقلاب اسلامی را برخاسته از ایمان اسلامی و به دست امام خمینی (رحمه الله) ایجاد کرد. حرکت امام و پیروی مردم، بر اساس ایمان و شجاعت بود؛ همان گونه که ایمان ساحران به حضرت موسی (علیه السلام) بر اساس شجاعت بود. از تهدیدها نترسیدند و گفتند: «لَا صَبِيرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ» (5)

و در برابر شکنجه ها مقاومت کردند: «وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا» (6).

خداوند نیز عنایت کرد و امام و یارانش را طبق وعده خود به انبیا، یاری رساند: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالدِّينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» (7).

ص: 10

- 1- «مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود» (احزاب، 21).
- 2- «[فرعون] قوم خود را سبک [مغز] شمرد؛ در نتیجه از او اطاعت کردند» (زخرف، 54).
- 3- «قطعاً پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند» (آل عمران، 164).
- 4- «سرانجام [با استفاده از فرصتی مناسب، همه] آن ها را خرد کرد» (انبیاء، 58).
- 5- «مهم نیست. [هر کاری از دستت ساخته است، بکن!] ما به سوی پروردگارمان بازمی گردیم» (شعراء، 50).
- 6- «و ما به طور مسلم در برابر آزارهای شما صبر خواهیم کرد [و دست از رسالت خویش بر نمی داریم]» (ابراهیم، 12).
- 7- «ما به یقین، پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان به پا می خیزند، یاری می دهیم» (غافر، 51).

انقلاب و امروز کم انقلاب پیروز و عصر جدیدی آغاز شد. این انقلاب، دین و دنیا را در کنار هم گذاشت و آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری را به جای تفرقه، ذلت، قساوت، خفقان نشانده و ترکیبی از جمهوریت و اسلامیت را به ارمغان آورد. بنابراین هم به آیه «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (1)

عمل شد و هم به آیه «وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا» (2).

مستکبران از این پدیده ناراحت شدند؛ چون توقع نداشتند غیر از قدرت شرق و غرب، قدرتی پیدا شود و کسی راه جدیدی را بدون اعتنا به قدرت ها برای خود پیش گیرد. می گفتند: «آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ» (3).

فشارها شروع شد و دسیسه ها به کار افتاد؛ ولی خداوند همچنان مردم را یاری کرد و هرچه مستکبران توطئه کردند، خنثا شد: «وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (4).

با مقایسه، مسائل بهتر روشن می شود. در قرآن نیز ده ها آیه برای بصیرت افزایی از راه مقایسه آمده است؛ مثلاً می فرماید: «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ» (5) و در آیه دیگر می فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (6) و... به پیروی از این اصل، در ادامه مقایسه ای بین قبل از انقلاب و بعد از انقلاب می کنیم.

ص: 11

-
- 1- «و کارهایشان را به مشورت یکدیگر انجام می دهند» (شوری، 38).
 - 2- «و چه کسی بهتر از خدا [برای قومی که اهل یقین اند،] حکم می کند؟» (مائده، 50).
 - 3- «آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم، به او ایمان آوردید؟!» (اعراف، 123).
 - 4- «و نقشه کشیدند و خداوند [هم] چاره جویی کرد و خداوند بهترین چاره جوست» (آل عمران، 54).
 - 5- «آیا کسی که باایمان باشد، همچون کسی است که فاسق است؟! نه، هرگز این دو برابر نیستند» (سجده، 18).
 - 6- «آیا کسانی که می دانند، با کسانی که نمی دانند، یکسان اند؟!» (زمر، 9).

از عقب ماندگی شرم آور تا پیشرفت های شگفت آور

با نگاهی به گذشته می بینیم دچار انواع عقب افتادگی های علمی و سیاسی و معنوی بودیم و حاکمان با تحقیر و به استضعاف کشیدن مردم حکومت می کردند. مردم نیز تجربه ای برای انقلاب اسلامی نداشتند و همه چیز علیه انقلاب بود. این ها انسان را یاد دوران جاهلیت عرب می اندازد: خدای آن ها بت بود و قحطی بر آن ها حاکم. مردم در جاهلیت و تحجر بودند و دخترکشی و فضیلت کشی رسم توده مردم بود. آنان به فکر شب و شراب و شهوت و غارت بودند. ولی به برکت اسلام، بسیاری از این مفاسد اصلاح شد و بدعت ها و خرافه ها از میان رفت. برای نمونه، چند مثال می آوریم:

* تبدیل جهل به علم: ... «فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (1)

و «وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضَعَّفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَنْخَظَفَكُمْ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَآيَدِكُمْ بِنَصْرِهِ وَرِزْقِكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (2)

* تبدیل دشمنی به محبت: «وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (3) و «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (4)

* تبدیل بخل به ایثار: «وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (5)

ص: 12

1- «خدا را یاد کنید که آنچه را نمی دانستید، به شما آموخت» (بقره، 240).

2- «و به خاطر بیاورید هنگامی را که شما در روی زمین، گروهی کوچک و اندک و زبون بودید؛ آن چنان که می ترسیدید مردم شما را بربایند! ولی او شما را پناه داد و با یاری خود، تقویت کرد و از روزی های پاکیزه بهره مند ساخت؛ شاید شکر نعمتش را به جا آورید» (انفال، 26).

3- «و نعمت [بزرگ] خدا بر خود را به یاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید. و او میان دل های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او، برادر شدید» (آل عمران، 103).

4- «جز این نیست که مؤمنان برادر یکدیگرند» (حجرات، 10).

5- «آن ها را بر خود مقدم می کنند؛ هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند» (حشر، 9).

* اصلاح نگرش به زن، از تحقیر به کرامت او؛ تا آنجا که قرآن به زن لقب کوثر داد: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ»⁽¹⁾ و خدمت به او پاداش جهاد پیدا کرد؛ چنان که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند: «الْكَأْدُ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.»⁽²⁾ (کسی که در راه [تأمین مخارج] خانواده اش زحمت می کشد، مانند مجاهد در راه خداست.)

در مقابل آن عقب افتادگی ها، انقلاب اسلامی به مسلمانان عزت و استقلال و عقلانیت و برادری و آزادی عطا کرد. این انقلاب به دست مرجع تقلیدیمثل امام خمینی (رحمه الله) و علمای همراه با ایشان شکل گرفت که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) وظیفه آنان را قیام علیه پُرخوران و حمایت از گرسنگان قرار داده اند: «وَمَا أَخَذَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يَقْرُؤُوا عَلَى كِظِّهِ ظَالِمٍ وَلَا سَغَبٍ مَظْلُومٍ.»⁽³⁾

همین جمله و توصیه حضرت، دلیل آن است که باید مردم با رهبری علما حکومت تشکیل دهند و قدرت را به دست گیرند تا بتوانند حق مظلومان گرسنه را از ظالمان پرخور بگیرند؛ بدون قدرت و حکومت، این سفارش عملی نمی شود.

البته قلّه ای که همه باید به آن توجه کنند، عدالت جهانی به رهبری حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است؛ ولی در زمان غیبت، خود اهل بیت (علیهم السلام) سفارش کرده اند که فقیه عادل مخالف هوا، نزدیک ترین فرد به رهبر معصوم است.⁽⁴⁾

مخفی نماند که در هر کشوری، اختلاف هست و باید سخن

ص: 13

1- نک: کوثر، 1.

2- منسوب به علی بن موسی (علیهما السلام)، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (عليه السلام)، ص 208؛ محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الكافي، ج 5، ص 88، به روایت از امام صادق (علیه السلام).

3- علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، خطبه 3.

4- «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِبًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا لِهَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يَقْلُدُوهُ» (نک: حسن بن علی (علیهما السلام)، التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری (علیه السلام)، ص 300؛ احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، ج 2، ص 458).

یک نفر فصل الخطاب باشد. در خود آمریکا همین که بین رئیس جمهور بوش و رقیبش اختلاف افتاد، رئیس قوه قضاییه حرف آخر را زد. در سایر کشورها نیز باید مرجعی برای پایان دادن به اختلافات باشد که همه در برابر او تسلیم باشند. امتیاز جمهوری اسلامی آن است که آن کسی که باید حرف آخر را بزند، باید باسوادترین، باتقواترین، عادل و بی هوس باشد؛ به گونه ای که هیچ تهدید و تطمعی او را به قضاوت خلاف و ندارد.

ناگفته پیداست که سخن از عصمت ولی فقیه نیست؛ بلکه سخن از حجت بودن کلام اوست: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيماً» (1) (به پروردگارت سوگند که آن ها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلاف های خود، تو را به داوری طلبند و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند.)

ممکن است فتوای مرجعی تغییر کند، یا دانشمندی در نوشته خود تجدیدنظر کند، یا پزشکی در نسخه اش اشتباه کند؛ اما همه عقلائی دنیا در طول تاریخ، به کارشناس خبره مراجعه می کنند و سخن او را ملاک قرار می دهند، با اینکه می دانند ممکن است درصدی خطا داشته باشد. (2)

ویژگی های انقلاب و نظام اسلامی ایران

ما باید نگاهی به نظام خود بیندازیم و بدانیم این انقلاب چه ویژگی های منحصر به فردی دارد:

ص: 14

1- نساء، 65.

2- امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «... فُلْتَرَضَوْا بِهِ حَكَمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا...» (... پس حکم را نزد او ببرید و قضاوتش را بپذیرید؛ چون که من او را بر شما حاکم قرار دادم) (نک: محمدبن ادریس حلی، کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج 3، ص 540).

* ما هرگز آغازگر جنگ نبودیم؛ زیرا آغازگر جنگ، ستیزه جو و محکوم به شکست است. (1)

در زمان صدام هم اولین گلوله را عراقی ها شلیک و جنگ را آغاز کردند، نه ما. به قول قرآن: «وَهُمْ بَدَأُوا رَسُولًا» (2)

* همیشه حامی مظلومان بوده ایم؛ زیرا توصیه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در نهج البلاغه این است: «و... لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» (3)

و از طرفی قرآن ما را توبیخ کرده است که چرا در حمایت از مظلومان قیام نمی کنید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (4)

* حرکت ما بر اساس وظیفه بوده و هرگز منفعل و مردد نبوده ایم؛ همان گونه که تابلوی کتاب آسمانی ما «لَا زَيْبَ فِيهِ» (5)

است.

* بی رحم و خون ریز نبوده ایم. قرآن می فرماید: «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (6) * اگر خطایی پیش آمده، آماده اصلاح و تصحیح بوده و هستیم؛ زیرا

امام سجاد (علیه السلام) از خدا می خواهد از راهنماها پیروی کند: «وَمُتَابِعِهِ مَنْ أَرَشَدَنِي» (7)

* بی انصاف نبوده ایم؛ زیرا قرآن به ما آموخته است که حتی در انتقاد از شراب و قمار، از منافع مادی آن غفلت نشود: «قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ

مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (8)

* قرآن به ما دستور می دهد که حتی اگر یک نفر از مشرکان، در جبهه جنگ، مهلت تحقیق خواست، به او فرصت دهیم تا کلام خدا را

بشنود و او

ص: 15

1- نک: «... فَإِنَّ الدَّاعِيَ إِلَيْهَا بَاغٍ وَ الْبَاغِيَ مَصْرُوعٌ» (علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، حکمت 233).

2- توبه، 13.

3- «و... یاور مظلوم باشید» (علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، نامه 47).

4- نساء، 75.

5- بقره، 2.

6- فتح، 29.

7- علی بن حسین (علیهما السلام)، صحیفه سجادیه، دعای 20.

8- «بگو: در آن دو، گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است؛ و [لی] گناهشان از سودشان بزرگ تر است» (بقره، 219).

را با حفاظت کامل به محل امن خود برسانیم که اضطراری نداشته باشد: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ» (1).

بنابراین دینی که منطقی و عقل دارد، عجله ندارد و دل سوزی اسلام به قدری است که در سخت ترین موقعیت ها که زمان جنگ است، حتی برای یک نفر فضای پژوهش و تفکر باز می کند و به مسلمانان دستور می دهد که این محقق را سالم به خانه خود برسانید. * حرف خود را با صراحت و شجاعت گفته ایم؛ زیرا قرآن به ما سفارش کرده که به دشمنان بگویید: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِي» (2).

* حتی در دشمنی ها از افراط و تفریط دور بوده ایم؛ زیرا قرآن فرموده است: «وَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا» (3).

* قدرت خود را روزبه روز افزایش داده ایم؛ زیرا قرآن گفته است: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (4).

* مرورت را سرلوحه کار خود قرار داده ایم؛ چراکه قرآن فرموده است: «أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ» (5).

امام حسین (علیه السلام) به مخالفان خود در کربلا فرمود اگر دین ندارید و از قیامت نمی ترسید، [لا اقل] در دنیای خود آزاد و جوانمرد باشید: «إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أَحْرَاراً فِي دُنْيَاكُمْ» (6).

* وقتی لانه جاسوسی آمریکا را دانشجویان پیرو خط امام تسخیر

ص: 16

1- توبه، 6.

2- [پیامبر خطاب به مشرکان فرمود: دین شما برای شما و دین من برای خودم] (کافرون، 6).

3- «پاداش هر بدی و گناهی، مانند همان بدی و گناه است» (شوری، 40).

4- «آنچه از نیرو که می توانید، برای دشمنانتان آماده سازید» (انفال، 60).

5- «آیا در میان شما یک مرد [خیرخواه] رشید [خداپرست] نیست؟» (هود، 78).

6- علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (سید بن طاووس)، اللهوف علی قتلی الطفوف؛ آهی سوزان بر مزار شهیدان، ص 120.

کردند، مستکبران ترسیدند: «وَقَدْ فَعَلْنَا فِي قُلُوبِهِمُ الرَّعْبَ» (1) فکر نمی کردند که سفارتخانه شان ناامن شود: «فَاتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا» (2).

نوشته هایشان را با دست خود چرخ کردند: «يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ...» (3).

خیال می کردند سفارتخانه محل امن آن هاست: «وَوَظَنُوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ» (4).

* بعضی از مهره های خودباخته طبق سیاست های کلیشه ای معتقد بودند که حتماً باید به قدرتی وصل شوند. انقلاب آمد و گفت نه شرقی و نه غربی و فقط خدا: «قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ» (5).

* در انقلاب، مردم خود را متحد با هم می دانستند. قرآن می فرماید: «... بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ...» (6).

جوانان وارد میدان شدند. طبق نصّ قرآن، ابراهیم صدساله همراه اسماعیل سیزده ساله هر دو مسئولیت تطهیر مسجدالحرام را داشتند: «... طَهَّرَا بَيْتِي...» (7)* مردم دور امام پروانه وار چرخیدند و اطاعت کردند: «هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ» (8) و هشت سال جنگ آنان را خسته نکرد: «قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (9) روحیه «ما می توانیم» در مردم تزریق شد و باور کردند. قرآن وعده داده است: «... وَآتَنَّاكُمْ الْأَعْلُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (10).

تمامیت ارضی تضمین شد و دشمن را به عقب راندند و منطقه تصاحب شده را پس

ص: 17

1- «در دل های آنان وحشت افکند» (احزاب، 26؛ حشر، 2).

2- «اما خداوند از آنجا که گمان نمی کردند، به سراغشان آمد» (حشر، 2).

3- «به گونه ای که خانه های خود را با دست خویش ویران می کردند...» (حشر، 2).

4- «و خودشان نیز گمان می کردند که دژهای محکمشان مانع عذاب الهی می شود» (حشر، 2).

5- «بگو خدا؛ سپس ایشان را به خودشان واگذار» (انعام، 91).

6- «... بعضی از شما از بعضی دیگر...» (آل عمران، 195؛ نساء، 25).

7- «... خانه مرا [برای طواف کنندگان و معتکفان و نمازگزاران] پاکیزه سازید» (بقره، 125).

8- «و او کسی است که با نصرت خود و یاری مؤمنان، تو را تأیید و کمک کرده است» (انفال، 62).

9- «گفتند پروردگار ما خداست و سپس [بر آن] استقامت ورزیدند» (فصلت، 30؛ احقاف، 13).

10- «... اگر مؤمن باشید، برتری با شماست» (آل عمران، 139).

گرفتند و به آیه (... فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ) (1) عمل کردند.

* دست نشانده های آمریکا را از کشور بیرون کردند؛ چون قرآن سفارش کرده بود: «... لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ». (2)

* با لبخندهای دشمن فریب نخوردند: «وَدُّوا لَوْ تَدَّهِنُ فَيَدْهِنُونَ». (3) فهمیدند دشمن خیر ما را نمی خواهد. اگر جوانان ما به کمالی برسند، دشمنان عصبانی می شوند. به آنان گفتیم: «قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ». (4)

* دشمن هرگز خیرخواه ما نبوده؛ بلکه خواهان سختی و دردسر ماست: «... وَدُّوا مَا عَنَّتُمْ...». (5)

به توانایی داخلی تکیه کردیم؛ چنان که نماز به ما آموخت که باید در سایه حول و قوه الهی کار کنیم، ولی با تکیه بر قیام و قعود خودمان: «بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُوا وَاقْعُدُوا». (6)

* بدخواهان همیشه در فکر خاموش کردن نور خدا بودند؛ ولی روزبه روز جلوه حق بیشتر شد: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ». (7) ما نباید از دشمن انتظار خیر داشته باشیم. او به قدری خبیث است که اگر سیل یا زلزله ای، ویرانی بزرگی ایجاد کند، هرگز حاضر نیست کمک کند و حتی مانع کمک های دیگران نیز می شود. دشمنان صدام را به غرور واداشتند که چندروزه ایران را خواهی گرفت و به قول قرآن: «لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ»: (8)

ولی تیرشان به سنگ خورد.

* دشمن از هیچ گونه تضعیف رهبر، مکتب و امت فروگذار نکرده است؛

ص: 18

1- «... با گروه متجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد» (حجرات، 9).

2- «... از غیر خودتان، [دوست و] هم راز نگیرید.» (آل عمران، 118).

3- «دوست دارند نرمش نشان دهی تا آن ها هم نرمش نشان دهند، [نرمشی توأم با انحراف از مسیر حق!]» (قلم، 9).

4- «بگو: به خشم خود بمیرید» (آل عمران، 119).

5- «... آرزو دارند که در رنج بیفتید...» (آل عمران، 118).

6- منسوب به علی بن موسی (علیهما السلام)، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (عليه السلام)، ص 108.

7- «آیا می خواهید نور خدا را با دهانتان خاموش کنید؟ خداوند نور خود را به نهایت می رساند» (صف، 8).

8- «[شیطان خطاب به مشرکان گفت:] امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نمی شود» (انفال، 48).

ولی پیروان حق همیشه در تاریخ پیروز بوده اند: «بَلْ تُقَدِّفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ...» (1).

* قرآن به ما آموخت که دشمن، شما را سفیه می خواند: «... أَنْتُمْ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ» (2).

به شما می گوید پیغمبر انسانی است مثل شما: «... مَا تَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا» (3).

و پیروان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) اراذل و اوباش اند: «... هُمْ أَرَاذِلُنَا بَادِيَ الرَّأْيِ» (4) تا با تحریم اقتصادی، دور پیغمبر را خلوت کند: «... لَا تُتَّفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا...» (5). گاهی نیز می خواهد با استفاده از عواملی همچون عوامل زیر، ما را از میان بردارد:

- با نمادهای مذهبی، مانند مسجد ضرار، قرآن به نیزه کردن و سوگند دروغین: «اتَّخَذُوا آيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»؛ (6)

- با گریه قلبی: «وَجَاؤُا بِأَهْلِهِمْ عِشَاءً يَبْكُونَ»؛ (7)

- با ایجاد تفرقه: «وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا»؛ (8) - با سفرها و کنفرانس ها و متینگ ها: «لَا يَغُرَّتْكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ»؛ (9)

- و با انواع زخم زبان ها: «وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ... أَذَى كَثِيرًا» (10).

ص: 19

1- «بلکه ما همیشه حق را بر باطل پیروز می گردانیم تا باطل را محو و نابود سازد و بدین گونه، باطل نابودشدنی است...» (انبیاء، 18).

2- «... آیا همچون ابلهان ایمان بیاوریم؟!» (بقره، 13).

3- «... ما تو را جز بشری همچون خودمان نمی بینیم!» (هود، 27).

4- «... ایشان [گروهی] اراذل ساده لوح اند» (هود، 27).

5- «به کسانی که در اطراف رسول خدا گرد آمده اند، انفاق نکنید [و چیزی ندهید] تا پراکنده شوند...» (منافقون، 7).

6- «سوگندهایشان را سپر قرار دادند و به این وسیله، از راه خدا جلوگیری کردند» (مجادله، 16؛ منافقون، 2).

7- «[برادران یوسف] شب هنگام، گریان به سراغ پدر آمدند» (یوسف، 16).

8- «[فرعون] مردم آن [سرزمین] را به گروه های مختلفی تقسیم کرد» (قصص، 4).

9- «مبادا رفت و آمد [و جنب و جوش] کافران در شهرها تو را بفریبد» (آل عمران، 196).

10- «و از کسانی که پیش از شما به آن ها کتاب [آسمانی] داده شده است، [یهود،] سخنان آزاردهنده فراوان خواهید شنید» (آل عمران، 186).

اما خداوند چنین وعده داده است که نیرنگشان را بی اثر می سازد: «أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ» (1)

و حيله بدخواهانه آنان هیچ گونه آسیبی به ما نمی رساند: «لَا يَصْرُوكُمْ كَيْدُهُمْ». (2)

1. توجه به تاریخ

هدف قرآن از نقل تاریخ، عبرت آموزی است، نه داستان سرایی. توجه به تاریخ سبب غفلت زدایی می شود و سازنده است و بی توجهی به آن، سبب توییح است: «أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ». (3) سنت های تاریخ ثابت است و برای همه مفید. توجه به تاریخ هر قوم، برای تبلیغ و تربیتشان لازم است: «... قَدْ حَلَّتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَّمٌ». (4)

توجه به تاریخ، زمینه صبر و شکر را در انسان به وجود می آورد. یادآوری مصیبت ها و تلخی های گذشته و برطرف شدن آن ها، انسان را به شکر وادار می کند: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ». (5)

توجه به پایداری امت ها و پیروزی آنان، آدمی را به صبر و مقاومت دعوت می کند: «مَسَّتْهُمْ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ». (6)

توجه به تاریخ و سرنوشت سعادت‌مندان کسانانی که در امتحان پیروز شده اند و سرنوشت تلخ کسانانی که در امتحانات الهی مردود شده اند، زمینه پیروزی در امتحانات الهی را فراهم می کند: «أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ». (7)

بهترین درس برای زندگی امروز، عبرت گرفتن از تاریخ گذشته است.

ص: 20

1- «آیا نقشه آن ها را در ضلالت و تباهی قرار نداد؟!» (فیل، 2).

2- «نقشه های [خائنانه] آنان، به شما زیانی نمی رساند» (آل عمران، 120).

3- «آیا گزارش [حال] کسانانی که پیش از آنان بودند، به اینان نرسیده است؟» (توبه، 70).

4- «... پیش از آن، امت هایی روزگار به سر بردند» (رعد، 30).

5- «در این، نشانه هایی است برای هر صبور شکرگزار» (لقمان، 31؛ شوری، 33؛ ابراهیم، 5).

6- «به ایشان سختی و رنج رسید» (بقره، 214).

7- این عبارت در هشت آیه بیان شده است: یوسف، 109؛ حجر، 10؛ نحل، 43؛ انبیاء، 25؛ حج، 52 و ...

البته عبرت از تاریخ، به فطرتی سالم و روحی پاک نیازمند است: «لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (1) آری، ایمان در بصیرت و روشن بینی انسان تأثیرگذار است.

باید از تاریخ پیشینیان، عبرت بگیریم: «وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ...» (2)

«فَقَطَّعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا وَ مَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ» (3) «فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ...» (4)

«فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ» (5) «... فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ» (6)

آری، بیان سختی ها و تلخی های گذشته، لذت آزادی امروز را چندین برابر می کند: «... يَسْؤُمُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُدَّبِحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَ يَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ» (7) در تاریخ می خوانیم که قوم موسی (علیه السلام) پس از برخورداری از لطف ویژه الهی و رسیدن به حکومت، گرفتار ذلت و مسکنت شدند. این یعنی «لَمْ يَأْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ» (8)

به «بَأْوِ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ» (9)

تبدیل شد.

باید توجه داشته باشیم که ایران قبل از انقلاب چه تاریخی داشته است! رژیم سلطنتی وابسته به بیگانگان، مستبد و فاسد، از طریق کودتا، صنعتشوارداتی، علمش ترجمه ای، کشورش تحت سلطه و تحقیر شده و عقب مانده، اخلاقش آلوده و غرب زده، تبلیغاتش ترویج فساد،

ص: 21

1- «... نشانه هایی است برای گروهی که به خدا و رسول ایمان می آورند» (نحل، 79؛ نمل، 86، عنکبوت، 24؛ روم، 34).

2- «قطعاً از حال کسانی از شما، که در روز شنبه نافرمانی و گناه کردند، آگاه شده اید...» (بقره، 65).

3- «ریشه کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند و ایمان نیاوردند، قطع کردیم» (اعراف، 72).

4- «پس ببینند عاقبت کسانی که پیش از آن ها بودند، چه شد...» (یوسف، 109؛ روم، 9؛ فاطر، 44، غافر، 21 و 82، محمد، 10).

5- «پس بنگر [ید] که عاقبت تکذیب کنندگان [حق] چگونه بوده است...» (زخرف، 25).

6- «... آیا کسی هست که پند گیرد؟» (قمر، 15 و 17 و 22 و 32 و 40 و 51).

7- «... شما را به بدترین وجهی عذاب می کردند: پسرانتان را سر می بریدند و زنانتان را [برای خدمتکاری،] زنده می گذاشتند» (ابراهیم، 6).

8- «[به شما چیزهایی بخشید که] به هیچ یک از جهانیان نداده بود» (مائده، 20).

9- «به خشم خدا گرفتار شدند» (بقره، 61؛ آل عمران، 112).

خدماتش منحصر به شهرهای بزرگ، مناطق دوردست و روستاها محروم از بسیاری از خدمات، برنامه هایش سوق به فساد و بی بندوباری و دارای انواع عقب ماندگی ها در صنعت، سیاست، معنویت، فضیلت و نداشتن تجربه انقلابی، در حالی که همه چیز علیه حرکت انقلابی مسلمانان بود، به گونه ای که با کشتن و زندان کردن و تهدید و شکنجه، همه صداها را خفه می کردند.

2. توجه به نوآوری ها

قرآن بارها خداوند را به دلیل نوآوری در زمین و آسمان ها و خلق جدید ستایش کرده است: «بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»⁽¹⁾

و گاهی با کلمه «أَنْشَأَ» به نوآوری اشاره کرده است: «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ»⁽²⁾

در انقلاب اسلامی ایران، انواع نوآوری ها و ابتکارات را می بینیم که از جمله می توان به نمونه های زیر اشاره کرد:

1. برآمدن انقلاب از ایمان و معرفت اسلامی؛

2. طرح دین و دنیا در کنار هم؛ 3. شکستن چهارچوب های کلیشه ای تقسیم قدرت در جهان که در گذشته یا باید شرقی می بودند، یا غربی؛

4. شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی که در هریک از این سه کلمه معانی والایی نهفته است.

البته نوآوری ممکن است توسط قوم ستمگر باشد: «لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ»⁽³⁾ یعنی قوم عاد در ساختمان سازی ابتکار داشتند؛ اما هر

ص: 22

1- «خدا ایجادکننده آسمان ها و زمین است» (بقره، 117؛ انعام، 101).

2- «و اوست کسی که شما را از یک نفس آفرید» (انعام، 98).

3- «هرگز مانند آن در دنیا ایجاد نشده است» (فجر، 8).

ابتکاری ارزش ندارد و نوآوری گناه آلود، ضدارزش است. قرآن درباره قوم لوط می فرماید آن ها در گناه نوآور بودند: «ما سَبَّحَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ»؛⁽¹⁾

همان گونه که نوآوری، اگر منطبق بر وحی نباشد، بدعت و حرام است.

آری، نباید به بهانه ابتکار و نوآوری و آزاداندیشی، دست به گفتن یا نوشتن چیزی به نام دین بزنیم و از فرمان خدا و رسول جلو بپوشیم.

3. استقلال

قرآن درباره استقلال می فرماید ما قبله را تغییر دادیم تا یهود بر شما منت نگذارد که شما در قبله تابع ما بودید و استقلال ندارید: «لِيَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ...»⁽²⁾

از نگاه قرآن، مسلمانان باید از تمام جهات سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی، از استقلال کامل برخوردار باشند: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»⁽³⁾.

قرآن از کسانی که حتی در فکر و عقیده استقلال ندارند، به شدت انتقاد کرده است. منافقان استقلال فکر و عقیده ندارند. آن ها به هر جهتی می چرخند، به دیگران وابسته اند و بی هدف سرگردان اند: «مُذَبِّدِينَ بَيْنَ ذَلِكَ»⁽⁴⁾.

کسی که به خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ایمان قلبی داشته باشد، حاضر نیست ولایت غیرالهی را بپذیرد: «لَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ... مَا اتَّخَذُوا لَهُمْ أَوْلِيَاءَ»⁽⁵⁾

ص: 23

1- «[لوط به قوم خود گفت: [هیچ یک از جهانیان در انجام آن [عمل قبیح] بر شما سبقت نگرفته است» (اعراف، 80؛ عنکبوت، 28).

2- «تا برای مردم بر شما حجتی نباشد...» (بقره، 150).

3- «خداوند برای کافران بر مؤمنان راهی قرار نداده است» (نساء، 141).

4- «میان آن [دو گروه،] دودل هستند. [نه با کفارند و نه با مسلمانان]» (نساء، 143).

5- «اگر [به خدا و رسول] مؤمن بودند... ایشان را به دوستی نمی گرفتند» (مائده، 81).

آری، راه رسیدن به استقلال واقعی و رهایی از سلطه کفار، ایمان است. آنان که در راه و خط خدایند، نباید از منحرفان کمک بگیرند و باید استقلال سیاسی و اقتصادی خود را حفظ کنند: «مَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا» (1) در قرآن می خوانیم که رهبر جامعه اسلامی هم باید استقلال رأی داشته باشد و گرفتار فضا سازی ها و جوسازی ها و فشارهای داخلی و خارجی نشود: «لَوْ يُطِيعُكُمْ... لَعَنْتُمْ...» (2).

4. آزادی

آزادی از سلطه طاغوت ها، از بزرگ ترین نعمت هاست؛ چنان که خداوند در میان همه نعمت ها، نام آن را برده است: «نَجِّنَاكُمْ» (3). جنگ های اسلامی، یا برای دفاع است یا برای برداشتن ستمگرانی که مانع انتخاب آزادانه راه حق می شوند. قرآن می فرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً» (4)

(و با آن ها بجنگید تا فتنه [بت پرستی و سلب آزادی از مردم] باقی نماند.) و در جای دیگر می خوانیم: «فَقَاتِلُوا أئِمَّةَ الْكُفْرِ» (5) (پس با پیشوایان کفر بجنگید).

فرعون به مؤمنان گفت: «أَمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ أَدْنَ لَكُمْ» (6) (چرا بدون اذن من به موسی ایمان می آورید؟) آری، در استعمار فرهنگی حکومت ها، آزادی اندیشه و حق انتخاب عقیده از مردم سلب می شود. فرعون می گفت: «ما

ص: 24

- 1- «من آن نیستم که گمراه کنندگان را به یاری بگیرم» (کهف، 51).
- 2- «اگر از شما پیروی کند... قطعاً دچار زحمت می شوید...» (حجرات، 7).
- 3- بقره، 49.
- 4- «پس آنان [دشمنان جنگجو] را بکشید تا فتنه ای نباشد.» (بقره، 193؛ انفال، 39).
- 5- توبه، 12.
- 6- اعراف، 123.

(من جز آنچه تشخیص می دهیم، راه دیگری به شما ارائه نمی دهیم.) طاغوت ها جز برای خود، برای هیچ کس حق اظهارنظر قائل نیستند. سنت و قانون خداوند آزادگذاشتن انسان است. او می تواند مردم را به اجبار به راه حق ببرد؛ اما رشد واقعی در سایه آزادی است. در قرآن می خوانیم که اگر خدا می خواست، اختلاف و نزاعی میان مردم ایجاد نمی شد: «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ».(2)

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید: «وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا».(3)

(بنده دیگری نباش که خداوند تو را آزاد قرار داده است.) اسلام به آزادسازی مستضعفان دربند و مظلومان تاریخ سفارش کرده و بی توجهی به مظلومان را توییح کرده است: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ».(4)

آزادی به قدری مهم است که قبل از اسلام، وقتی در مکه به شخصی ظلم شد، پیغمبر با چند نفر پیمان بستند که علیه هر ظالمی بشورند. این پیمان به نام «حلف الفضول»، نوعی بیمه برای فقیران و ورشکستگان بود. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «من شاهد پیمانی بودم که برایم بسیار محبوب بود و اگر در اسلام هم برای پیوستن به چنان پیمان نامه ای دعوت شوم، اجابت می کنم».(5)

یکی از اهداف انبیا، آزادسازی اسیران دربند است. حضرت موسی (علیه السلام) به

ص: 25

1- غافر، 29.

2- مائده، 48.

3- علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، نامه 31.

4- «چه تان است که در راه خدا و مستضعفان نمی جنگید؟!» (نساء، 75).

5- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 83، ص 256.

فرعون گفت: «فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَا تُعَذِّبْهُمْ»، (1) البته اگر کسی خواست از آزادی سوءاستفاده کند، باید او را از کار بازداشت. مخالفان حضرت شعیب (علیه السلام) به او می گفتند: «چرا نمی گذاری ما با اموال خودمان آزادانه به هر نحو که می خواهیم، عمل کنیم؟» آنان می خواستند با کم فروشی و ضایع کردن حق مردم و اسراف و ول خرجی و عیاشی، ثروت خود را مصرف کنند؛ ولی حضرت شعیب (علیه السلام) مانع بود. قرآن می فرماید قوم شعیب به ایشان گفتند: «... أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ... أَنْ تَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ»، (2)

آری، مالکیت دلیل جواز هر نوع مصرف نیست. به این روایت توجه فرمایید: در صدر اسلام، مردی از خودراضی و لجوج به نام «سَمْرَه» گاه و بیگاه بی اجازه و سرزده وارد باغ محل زندگی یکی از یاران پیامبر می شد و مزاحم خانواده او بود. بهانه او این بود: «من در گوشه باغ درختی دارم و برایش سرزدن به آن، وارد باغ می شوم.» صاحب باغ به سمره تذکر داد که هرگاه وارد باغ می شود، باید اجازه بگیرد و سرزده وارد نشود؛ اما سمره امتناع کرد. صاحب باغ نزد پیامبر آمد و از او شکایت کرد. حضرت سمره را احضار و موعظه کرد که با اجازه وارد باغ شود؛ اما او زیر بار نرفت. پیامبر از سمره خواست تا آن درخت را با درخت دیگری عوض کند یا درخت خود را در قبال دریافت مبلغی زیاد، به صاحب باغ بفروشد؛ ولی راضی به این کار هم نشد. حضرت فرمود: «از این درخت صرف نظر کن تا من در بهشت درختی را برای تو ضمانت کنم؛ اما او لجاجت کرد و نپذیرفت. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دانست که بنای او بر لجاجت است. به صاحب باغ دستور داد که درخت را از ریشه بکند و جلوی سمره بیندازد» (3)

ص: 26

1- «بنی اسرائیل را با ما بفرست و ایشان را عذاب نکن» (طه، 47).

2- «آیا نمازت به تو دستور می دهد... که آنچه می خواهیم، در اموالمان انجام ندهیم؟!» (هود، 87).

3- محمد بن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 5، ص 292؛ محمد بن حسن حرّ عاملی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج 25، ص 428.

و فرمود: «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ [فی الإسلام]»؛ (1) یعنی کسی نمی تواند به بهانه مالکیت شخصی، سبب ایجاد مزاحمت و سلب آزادی دیگران شود. این جمله برای فقها سند محکمی برای بسیاری از فتواها و مسائل حقوقی است. یک فلسفه مهم بعثت انبیا (علیهم السلام)، طاغوت زدایی، آزادسازی و رهاکردن انسان ها از قید بندگی دیگران است. قرآن می فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (2) آری، دعوت به توحید و دوری از طاغوت، در رأس برنامه همه پیامبران بوده است. خداپرستی با پذیرش سلطه طاغوت ها و ستمگران نمی سازد و با ایمان و عبادت و اتصال به خداوند، انسان قدرت مبارزه با طاغوت ها را پیدا می کند.

در قرآن مجید بارها به مسئله آزادی انسان ها در انتخاب راه و عقیده اشاره شده است و آمده ای پیامبر، تو جبار نیستی تا مردم را به اجبار به راه حق دعوت کنی: «... لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» (3)،

«مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ» (4)،

«مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ» (5) «أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ» (6)،

«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (7)،

«إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ» (8)

و «قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ» (9) مخفی نماند که بعضی آزادی را بی اعتنایی و ولنگاری و هرج و مرج معنا می کنند؛ در حالی که آزادی به این معنا، گرچه ممکن است موقتاً به سود افراد عیاش باشد، مانع اخلاق اجتماعی و آزادی اجتماعی و رشد معنوی

ص: 27

1- محمد بن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 5، ص 292؛ محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، معانی الاخبار، ص 281.

2- «و به تحقیق در هر امتی، رسولی فرستادیم [و گفتیم] خدا را عبادت کنید و از طاغوت بپرهیزید» (نحل، 36).

3- «... تو بر مردم مسلط نیستی» (غاشیه، 22).

4- «تو بر مردم تسلطی نداری» (ق، 45).

5- «وظیفه رسول و پیامبر فقط ابلاغ [و گفتن] است» (مائده، 99).

6- «آیا این تویی که مردم را وادار می کنی [ایمان بیاورند]؟» (یونس، 99).

7- «در دین، اجباری نیست» (بقره، 256).

8- «تو فقط هشداردهنده ای» (فاطر، 23).

9- «بگو: من نگهبان شما نیستم» (انعام، 66).

است. کودک نیز دوست دارد آزادانه هر چه می خواهد بخورد؛ غافل از اینکه این آزادی در خوردن، کاری منفی است و باعث آسیب به جسم یا محروم کردن دیگران از حقشان می شود.

چشم چرانی نوعی آزادی است؛ ولی مرد چشم چران، همسر و زندگی خود را با کسانی که در خیابان دیده است، مقایسه می کند و خودش را ناراضی، اخلاقش را تند و زندگی اش را تلخ و گاهی متلاشی خواهد کرد.

5. جمهوری اسلامی

در این عبارت، هم به آیه «و شاورهُمْ فِي الْأَمْرِ»⁽¹⁾ عمل شده و هم به دستورهای الهی. در جمهوری اسلامی، هم عزت نهفته است تا هر فرد در هر انتخاباتی نظر خود را بدون هیچ گونه فشار و تهدیدی اعمال کند و هم عقلانیت و توجه به افکار عمومی و هم برابری به معنای واقعی: هر نفر فقط یک رأی دارد و رأی هیچ کس بر رأی دیگری مقدم نیست. در بعضی از کشورهای دنیا رأی مردم هست؛ ولی قانون خدا نیست. اما در جمهوری اسلامی، ترکیب جمهوریت و اسلامیت، نخستین قله درخشش انقلاب است. وارد کردن عنصر اراده ملی به کانون مدیریت کشور با حضور امت در همه صحنه های مدیریتی، از مزایای جمهوری اسلامی است.

6. تقابل اسلام و استکبار

در دنیای امروز، رویارویی ها بر اساس نژاد، لهجه، سرمایه، سیاست و امثال آن است؛ ولی در فرهنگ اسلام، رویارویی میان اسلام و کفر، اسلام و استکبار، اسلام و استثمار و استعمار، عدالت و ظلم، مشورت و استبداد است.

ص: 28

1- «و در کار [جنگ] با ایشان مشورت کن» (آل عمران، 159).

7. توجه به نعمت های خاص

بعضی از نعمت های الهی عام است؛ نظیر علم، قدرت، وحدت، صنعت و سیاست؛ ولی بعضی از نعمت های الهی خاص است. در انقلاب اسلامی ما انواع مزایای خاص دیده می شود؛ از جمله:

1. بزرگ ترین، موفق ترین، فعال ترین، ریشه دارترین انقلاب عصر جدید، انقلابی ایرانی، ملی، دینی، پیشرو و درخشان؛

2. مردمی ترین انقلاب عصر جدید؛

3. تنها انقلاب بدون خیانت به آرمان هایش پس از یک چلّه پرافتخار؛

4. صیانت کننده از کرامت خود؛

5. صیانت کننده از اصالت شعارهای خود؛ 6. پدیده ای زنده؛

7. قدرتمند؛

8. مهربان؛

9. باگذشت؛

10. باشکوه؛

11. بااراده؛

12. با صداقت؛

13. باصراحت؛

14. با اقتدار؛

15. با مروّت و جوانمرد؛

16. با دامنه عمل جهانی و منطقه ای؛

17. همراه مظلومان جهان؛

18. فاصله نگرفتن از ارزش های آمیخته با ایمان دینی مردم به هیچ

19. دچار نشدن به رکود و خموشی پس از نظام سازی؛

20. مرتکب نشدن به افراط ها؛

21. مرتکب نشدن به چپ روی ها؛

22. شلیک نکردن اولین گلوله حتی به آمریکا و صدام؛

23. دفاع پس از حمله دشمن؛ 24. فرود آوردن ضربت متقابل محکم بر دشمن؛

25. ایستادگی در برابر زورگویان و گردن کشان با صراحت و شجاعت؛

26. دفاع از مظلومان و مستضعفان با صراحت و شجاعت؛

27. انعطاف پذیر؛

28. آماده تصحیح خطاها؛

29. مواجهه ایجابی با نقدها؛

30. ثبات و امنیت و تمامیت ارزی و حفاظت از مرزها؛

31. شکسته شدن ابهت قلدران و مستکبران؛

32. مشارکت مردمی در مسائل سیاسی؛

33. گام برداشتن به سوی عدالت؛

34. افزایش عیار معنویت جامعه.

8. پاک سازی و طرد افراد نفوذی

در طول تاریخ، عوامل نفوذی با اسم های مختلف از جمله به نام دیپلمات، خطرناک ترین جاسوس های اعزامی به کشورها بوده اند. به نام مستشار نظامی، توطئه گری کرده و به اسرار نظامی دست یافته اند. به نام حقوق بشر، از مزدوران خود حمایت کرده اند و به نام دارو، برای مزدوران خود

اسلحه فرستاده اند. به نام کارشناس اقتصادی، کشورهای ناتوان را ضعیف نگه داشته اند. به نام سم پاشی، باغ ها و مزارع را از بین برده اند و حتی به نام اسلام شناس، اسلام را وارونه جلوه داده اند. ولی انقلاب اسلامی به قرآن عمل کرد: «... لا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ» (1)

(... از غیر خودتان، [دوست و] هم راز نگیرید.) «بِطَانَةٍ» به لباس زیر گفته می شود که به بطن و شکم می چسبد. این کلمه، کنایه از محرم اسرار است. بر این اساس، نباید بیگانگان را محرم اسرار خویش قرار دهیم. وجود مستشاران خارجی در کشورهای اسلامی ممنوع است و رازداری و وظیفه ای قطعی است. هر مسلمانی هم که مصداق «دُونِكُمْ» باشد، نباید محرم اسرار قرار گیرد؛ زیرا در میان مسلمانان نیز افراد فتنه جو و جاسوس کم نیستند. ملاک دوستی و روابط صمیمانه مسلمانان با سایر جوامع باید ایمان باشد.

از وظایف هر مسلمان آن است که دست نشانده ها و عناصر خائن را شناسایی کند و در مقام طرد و حذف آنان گام بردارد. در قرآن می خوانیم که در میان مسلمانان، افراد نفوذی بودند: «وَفِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ» (2).

در میان مسلمانان افرادی هستند که امور را گاهی با بزرگ نمایی و گاهی با کوچک نمایی، وارونه نشان می دهند: «وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ» (3). تحریف واقعیت ها و گزارش های جعلی برای رهبر، کار منافقان است و رهبر امت اسلامی باید هوشیار باشد و به هر گزارشی اعتماد نکند. قرآن این افراد را دشمن واقعی می داند: «هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُوهُمْ» (4)

(آنان دشمن [تو])

ص: 31

1- آل عمران، 118.

2- «و در میان شما کسانی هستند که به آن ها بسیار گوش می کنند» (توبه، 47).

3- «و امور را برای تو وارونه کردند» (توبه، 48).

4- منافقون، 4.

هستند؛ پس از آن‌ها برحذر باش.)

در آیه، عبارت «هُمُ الْعَدُوُّ» آمده است؛ یعنی دشمن واقعی این افرادند؛ زیرا اولاً درون جامعه اند و از اسرار مسلمانان آگاه اند؛ ثانیاً چون در لباس دوست هستند، شناخت آنان مشکل است؛ ثالثاً چون ناشناخته اند، مبارزه با آنان سخت تر است؛ رابعاً چون پیوندهای نسبی و سببی با مسلمانان دارند، برخورد با آنان پیچیده تر است و خامساً ضربهٔ آنان غافل گیرانه تر است.

9. عزت

مسلمانان باید باور کنند که تمام عزت از آن خدا و رسول و مؤمنان است: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (1) امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه فرمودند: «خداوند تمام امور مؤمن را به خودش واگذار کرده؛ ولی اجازهٔ ذلیل کردن خود را به او نداده است.» (2)

اما در چند حدیث، به اینکه مؤمن چگونه خود را خوار می کند، اشاره شده است. از جمله امام صادق (علیه السلام) در دو روایت فرمودند:

«يَتَعَرَّضُ لِمَا لَا يُطِيقُ» (3)

و «بَدَّخُلُ فِيهَا يَعْتَذِرُ مِنْهُ» (4) ناگفته پیداست که معنای «عزت»، داشتن ثروت و قدرت نیست؛ بلکه صلابت و نفوذناپذیری است. به زمین سخت می گویند: «أَرْضٌ عَزَازٌ»؛ (5)

یعنی بیل و کلنگ در آن فرو نمی رود. کلمهٔ «عزیز» از این ریشه گرفته شده است و اینکه امامان معصوم (علیهم السلام) در منابع روایی فرموده اند مؤمن عزیز

ص: 32

1- مناققون، 8.

2- «... وَلَمْ يَقْوَضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا» (محمد بن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 5، ص 63).

3- «کارهایی می کند که توانش را ندارد؛ [در نتیجه خوار می شود]» (محمد بن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 5، ص 64).

4- «وارد می شود در آنچه [از انجامش معذور است] و باید از آن عذر بخواهد» (محمد بن حسن طوسی (شیخ الطائفه)، تهذیب الاحکام، ج 6، ص 180).

5- حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص 513.

است،⁽¹⁾ یعنی حاضر نیست با هیچ گونه تهدید و تطمیع از منطق و راه خود دست بردارد، یا در مقابل دشمن کوتاه بیاید یا سازش و عقب نشینی کند.

ممکن است فردی مثل اباذر بدون داشتن امکانات و قدرت، بر سر فردی مثل معاویه فریاد بکشد.⁽²⁾ این گونه افراد عزیزند. در مقابل، افرادی هستند که امکانات زیادی دارند؛ ولی باز هم بر اثر ترس یا طمع، از موضع خود عقب نشینی می کنند. این گونه افراد ذلیل اند؛ حتی اگر همه چیز داشته باشند.

قبل از انقلاب اسلامی، آمریکا و دست نشانده های او برای مردم تصمیم می گرفتند. حتی امروز سران بعضی کشورها با حمایت های آمریکا جابه جامی شوند. ولی با لطف الهی، پس از انقلاب و جان فشانی ها، حتی یک فرد از مسئولان یک شهر و روستا را نمی توانند تعیین کنند. انقلاب اسلامی بود که با تشکیل حکومت مردمی و مردم سالاری و اراده ملی و ترویج فرهنگ «ما می توانیم» و اتکا به توانایی داخلی و امثال آن، برای ایران عزت آفرینی کرد.

10. توجه به نقش جوانان

جوانان می توانند با داشتن همت بلند، امید، هوشیاری، سرعت عمل، ابتکار، عمل جهادی، روحیه انقلابی، برادری و ایثار، همراه با ذکر و دعا و شجاعت، از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته آن در مقابل دولت های متکبر و مستکبر پاسداری کنند و برای مقابله با سبک زندگی غربی، گام های بلندی بردارند. همچنین جوانان ما حماسه آفرین، عدالت دوست، استوار، مسئولیت پذیر، پیشگام، تسخیرکننده قله های

ص: 33

1- نک: محمد بن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 5، ص 63.

2- نک: عبدالحمید بن هبه الله بن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج 8، ص 256 تا 258.

علمی، ناکام کننده دشمن و آماده برداشتن گام های بلند و فعال در میدان های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین المللی اند و در عرصه دین و اخلاق و معنویت، با درس گرفتن از تجربه ها و با نگاه انقلابی و جهادی، مانع ویژه خواران و دشمن فریب کاران و حامی مستضعفان اند. قرآن به نوجوانان سفارش می کند که در مصالح و مفاسد جامعه، خود را دخالت دهند: «يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ ائْتِ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ (1)

یعنی نوجوان می تواند به معروف ها امر و از منکرها نهی کند. این عمل نشانه آن است که نوجوان باید هم بفهمد، هم تشخیص دهد، هم فریاد بکشد، هم شجاع باشد، هم متعهد باشد؛ وگرنه بدون این ها نمی تواند امر و نهی کند.

در بعضی آیات می خوانیم که حضرت ابراهیم (علیه السلام) به پدر یا عموی خود می گفت: «يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا» (2) (ای پدر، چرا چیزی را می پرستی که نمی شنود و نمی بیند و تو را از هیچ چیز بی نیاز نمی کند؟) آری، نهی از منکر مرز سنی ندارد. پسر می تواند بزرگ خانواده را نهی کند؛ اما باید احترامش را حفظ کند. همیشه کمال افراد به سن آن ها بستگی ندارد؛ گاهی فرزند خانه از بزرگ ترها بهتر می فهمد.

قرآن به سوره یوسف نام «أَحْسَنَ الْقَصَصِ» (بهترین سرگذشت ها) داده است. (3)

شاید برای این باشد که محور این سوره، نوجوانی به نام یوسف است. در سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می خوانیم که مسئولیت تبلیغ اسلام در مدینه را به جوانی به نام مُصعب واگذار کرد (4) و فرمانده نظامی لشکر، شخصی به

ص: 34

1- «پسرم، نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن» (لقمان، 17).

2- مریم، 42.

3- «ما نیکوترین سرگذشت را به موجب این قرآن، بر تو حکایت می کنیم» (یوسف، 3).

4- نک: محمد بن جریر بن رستم طبری آملی مازندرانی، تاریخ الطبری؛ تاریخ الأمم و الملوک، ج 2، ص 359.

نام اسامه بن زید بود با هجده سال سن. (1)

در قرآن می خوانیم که مسئولیت تطهیر مسجدالحرام به سالمندی به نام ابراهیم و نوجوانی به نام اسماعیل واگذار شد: «... طَهَّرَا بَيْتِي...». (2)

قرآن در بیان کمالات، سالمند و نوجوان را در کنار هم تجلیل می کند و می فرماید ابراهیم و اسماعیل هر دو با هم تسلیم فرمان خدا شدند: «فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ». (3)

امام حسین (علیه السلام) نیز در کربلا، هم جوانان و هم نوجوانان را با خود برد.

در انقلاب ایران، حضور جوانان در راه پیمایی ها، جبهه ها، بازسازی ها، تشکیل مراکز امدادی و خدماتی از یک سو و پیشرفت و توسعه دانشگاه ها و فناوری ها از سوی دیگر و توجه به معنویاتی از قبیل اقامه نماز در مدارس آموزش و پرورش و دانشگاه ها و رشد مسئله اعتکاف و حفظ قرآن، بر هیچ منصفی پوشیده نیست.

رونق معنوی را باید در زائران مکه و کربلا و مشهد و جمکران و شرکت در مسابقات دینی و حضور در اردوهای جهادی و پیاده روی های اربعین و دل کندن از پدران و مادران و همسران با حضور در جبهه ها و شکرگزاری خانواده شهدا از اینکه عزیز خود را در راه خدا داده اند، پیدا کرد.

اینکه نوجوانان دیروز، امروز جوانان دانشمند و مخترعان برجسته شده اند، پدید آمدن انواع وسایل زیرساختی و داشتن صنایع پیشرفته دفاعی و رشد مسائل بهداشتی و پزشکی در عرصه های مختلف، همه در سایه انقلاب بوده است. البته جمعی فاسد و مفسد و خائن هم پیدا شدند؛

ص: 35

1- نک: محمد بن نعمان عکبری بغدادی (شیخ مفید)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج 1، ص 180؛ احمد بن اسحاق

یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج 2، ص 113.

2- «... خانه مرا [برای طواف کنندگان و معتکفان و نمازگزاران] پاکیزه سازید» (بقره، 125).

3- «هنگامی که هر دو تسلیم شدند و ابراهیم پیشانی او را بر خاک نهاد...» (صافات، 103).

ولی آمار افراد خدمتگزار امین به مراتب بیشتر از این افراد است. این رشد معنوی، مرحله نخستین خودسازی و گامی به سوی مرحله جامعه سازی و تمدن سازی است.

11. پایداری

مدعیان زیادند؛ ولی همه صالح و صادق و وفادار نیستند. چه بسیارند افرادی که با خدا عهد می بندند اگر وضع مالی و اقتصادی شان خوب شود، به دیگران کمک کنند؛ ولی پس از رسیدن به مقصد، عهدشان را فراموشی کنند. به تعبیر قرآن: «وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَ لَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ» (1) (و برخی از آنان با خدا این گونه پیمان بسته بودند که اگر خداوند از فضل خویش به ما عطا کند، حتماً صدقه (زکات) خواهیم داد و از نیکوکاران خواهیم بود.) «فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَ تَوَلَّوْا وَ هُمْ مُعْرِضُونَ» (2) (پس چون خداوند از فضل خویش به آنان بخشید، بدان بخل ورزیدند و [به پیمان] پشت کردند و روی گردان شدند.)

ولی در برابر این گروه، افرادی هستند که تا پای جان از فکر و منطق و شعار خود دفاع می کنند. یکی از برکات جمهوری اسلامی این است که به شدت پایبند به اصول خود و مرزبندی اش در مقابل رقیبان و بی مبالاتی نکردن با خطوط اصلی خود و در عین حال منطقی بودن و متحجر نبودن و توجه به پدیده ها و موقعیت های نو است.

اسلام عنصر فقاقت را یک اصل می داند و به همه سفارش کرده است که در حوادث واقعه که بیشتر آن ها مسائل جدیدند، به فقهای عالم به زمانه

ص: 36

1- توبه، 75.

2- توبه، 76.

مراجعه کنید(1) تا مسئله و تکلیف جامعه بر اساس اصولی که در اختیار فقیه است، روشن شود.

12. دستاوردهای جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی کشوری مستقل و آزاد است. دستاوردهای جمهوری اسلامی را می توان از دو جهت بررسی کرد:

1. اقتدار نظامی

قرآن می فرماید: «وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُّوا لِلَّهِ وَعَدُّوْكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ»(2) (و هرچه می توانید، از نیرو و از اسبان سواری فراهم کنید تا به وسیله این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری جز اینان که شما آنان را نمی شناسید و خداوند آن ها را می شناسد، بترسانید و هرچه در راه خدا [و تقویت بنیه دفاعی اسلام] انفاق کنید، پاداش کامل آن به شما می رسد و به شما ستم نخواهد شد.)

جالب آن است که بعد از این فرمان آماده باش همه جانبه، در آیه بعد می فرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»(3)

(و اگر [دشمنان] به صلح تمایل داشتند، [تو نیز] تمایل نشان بده و بر خداوند توکل کن؛ همانا او شنوا و داناست.)

ص: 37

1- نک: محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمه، ج2، ص484.

2- انفال، 60.

3- انفال، 61.

* مسلمانان باید در اوج قدرت باشند تا تقاضای صلح، از سوی دشمن باشد: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ».

* اسلام جنگ طلب نیست: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا».

* فرمان جنگ و پذیرش صلح، با پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و از اختیارات رهبری جامعه اسلامی است: «فَاجْنَحْ» نفرمود: «فَاجْنَحُوا».

* در پذیرش صلح، هم احتمال خطر و توطئه هست، هم زخم زبان برخی دوستان؛ ولی باید بر خدا توکل کرد: «تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ».

این آیه را باید در کنار آیه 58 انفال در نظر گرفت که اگر رهبر مسلمانان با شواهد و قرائنی، یقین به خدعه دشمن در سایه صلح داشت، حساب دیگری دارد؛ ولی در صورت احتمال حسن نیت، باید با هوشیاری آن را بپذیرد. (1)

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به مالک اشتر می نویسد: «وَلَا تَدْفَعَنَّ صَلْحًا دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ وَ لَلَّهِ فِيهِ رِضًا فَإِنَّ فِي الصَّلْحِ دَعَاً لِيُجُودِكَ وَ رَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ وَ أَمْنًا لِبِلَادِكَ وَ لَكِنَّ الْحَذَرَ كُلَّ الْحَذَرِ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صَدِّ لِحِهِ فَإِنَّ الْعَدُوَّ زُبْمًا قَارِبَ لِيَتَغَفَّلَ.» (2) (هرگز صلح پیشنهادی دشمن را که خشنودی خدا در آن است، رد مکن، که آسایش رزمندگان و آرامش فکری و امنیت شهرهايت در صلح تأمین می گردد؛ ولی پس از صلح، به کلی از نیرنگ دشمنت برحذر باش؛ چون چه بسا گاهی نزدیکی دشمن، برای غافل گیرکردن است!) آری، اگر ما به وظیفه خود عمل کنیم، نباید از مشکلات بترسیم؛ چون خداوند گشاینده مشکلات است و حمایت های مردمی، به اراده خداوند در جهت یاری شماست: «أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ.» (3)

ص: 38

1- «وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ» (نک: انفال، 58).

2- علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، نامه 53.

3- انفال، 62.

البته اقتدار مسلمانان تنها با تجهیزات و نفقات و مهمات نیست؛ بلکه اقتداری برخاسته از ایمان به خدا و اطمینان به نصرت های اوست: «إِنْ تَصَبَّرُوا لِلَّهِ يُضَرِّكُمْ» (1) و نیز با همراهی نیروهای خودی ممکن می شود: «حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (2).

مؤمنان انقلابی، امیدوار به وعده های الهی اند. خداوند می فرماید: «عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ» (3) (بیست نفر با استقامت بر دویست نفر از دشمنان غلبه می کنند.) و حتی در برخی مواقع که ضعفی احساس شود، باز هم به خود اطمینان دارند: «فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ» (4) (اگر صد نفر از شما پایدار باشد، بر دویست نفر [از کفار] پیروز می شود و اگر از شما هزار نفر باشند، به اذن خدا بر دوهزار نفر [از آنان] پیروز می شوند.)

2. اقتدار علمی

همان گونه که تاریخ نشان می دهد، مسلمانان بنیان گذار بسیاری از علوم بوده اند و امروز نیز در کشور ما هر روز گام هایی به جلو برمی دارند. (5) قطعاً همه این افتخارات درخشان و پیشرفت های شگفت آور و رکورد داشتن در شتاب پیشرفت های علمی در جهان و در منطقه و کسب رتبه های نخست در رشته های حساس و نوپدید، سرآمدی در گسترش خدمات اجتماعی و

ص: 39

1- «اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند» (محمد، 7).

2- «[ای پیامبر،] خداوند و مؤمنانی که از تو پیروی می کنند، برای حمایت تو کافی اند [و به حمایت گرفتن از دیگران نیازی نداری]» (انفال، 64).

3- انفال، 65.

4- انفال، 66.

5- «لَوْ كَانَ الْعِلْمُ مُعَلَّقًا بِالْثَرِيَّا لَتَنَاولَهُ قَوْمٌ مِنْ أَبْنَاءِ فَارِسَ» که در برخی نسخه های روایی به جای «الْعِلْمُ»، واژه های «دین» و «ایمان» نیز به کار رفته است (نک: ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص 649؛ سیدهاشم سلیمان بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 143).

داشتن انگیزه های جهادی همراه با معنویت و اخلاق و برداشتن گام هایی در راه عدالت آموزشی، به واسطه جمعیت جوان کارآمد است.

گرچه هنوز به عدالت آموزشی کامل نرسیده ایم، گام های بلندی به سمت آن برداشته ایم: بردن دانشگاه ها در شهرها و آوردن جوانان مستعد از شهرها به مراکز علمی، بردن علم آموزی در روستاها، رشد شرکت دختران در کلاس ها، جابه جایی خدمات از مرکز به همه جای کشور و رسیدن به بعضی از مسائل حساس نظیر فناوری هسته ای، سلول های بنیادی، نانو و هوافضا.

13. مدیریت جهادی

مدیریت جهادی آن است که با توجه به قدرت خودی و با بی اعتنایی به انواع وابستگی ها و با شعار «ما می توانیم»، همراه با جوشش انقلابی و نظم سیاسی و دوری از رکود و خموشی و زورگویی و تحمیل عقیده و با داشتن روحیه فداکاری و نشاط، همراه با دادن حق تصمیم گیری به افراد و مشورت با آنان، کارها را پیش ببریم و مدیریت کنیم.

14. عزت، حکمت، مصلحت

در همه برنامه ها و قراردادها و نیز در برقراری روابط یا قطع آن ها، باید به این اصل توجه کنیم و نبود هریک از این سه، نقص مهمی است.

15. داشته ها و سرمایه ها

قرآن کریم در سوره ابراهیم با اشاره به اینکه نعمت های خداوند، همچون باران، انواع میوه ها، رام شدن کشتی ها در دریا، وجود نهرها، مسخر بودن

ص: 40

خورشید و ماه و شب و روز، در اختیار انسان هاست که اگر بخواهند آن‌ها را بشمارند نمی‌توانند، (1) تأکید می‌کند اگر به این داده‌ها و سرمایه‌ها توجه نشود و آن‌ها در جای خود به کار گرفته نشوند، انسان بسیار ستمگر و ناسپاس است: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ». (2) در سایه انقلاب اسلامی، نعمت‌های بسیاری از سوی خدا بر این مردم نازل شده است که برخی از آن‌ها عبارت است از:

1. رستاخیز علمی در کشور با پیشینه دوده‌ای و با سرعت غافل‌گیرکننده برای ناظران جهانی؛

2. وجود هزاران شرکت دانش‌بنیان؛

3. وجود میلیون‌ها تحصیل‌کرده دانشگاهی یا در حال تحصیل؛

4. وجود هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور؛

5. شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی؛

6. نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی؛

7. ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی؛

8. تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی؛

9. برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی؛

10. درخشش در رشته‌های مهم و حساس پزشکی؛

11. به ثمر رسیدن ده‌ها طرح بزرگ راهبردی در کشور با رتبه‌های نخستین در جهان، از قبیل چرخه سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فناوری نانو، زیست‌فناوری؛

ص: 41

1- نک: ابراهیم، 32 تا 34.

2- ابراهیم، 34.

12. وجود هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه های عمران، حمل و نقل، صنعت، نیرو، معدن، سلامت، کشاورزی، آب و ...

16. رکود و توقف ممنوع!

با وجود آن همه داشته ها و این همه پیشرفت ها، نباید توقف کنیم:

1. نباید فکر راکد شود؛ بلکه باید با تحصیل و تجربه و مشورت، فکر را رشد دهیم.

2. نباید سرمایه راکد باشد و به صورت گنج (کنز) درآید.

3. نباید علم راکد باشد؛ بلکه باید به دیگران منتقل شود.

4. حتی بعد از رسیدن به کمالات، نباید قانع باشیم. مثلاً:

■ نباید در تحصیل خود را فارغ بدانیم؛ چراکه خداوند به پیامبرش می فرماید: «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (1)

■ نباید به قیام به عدالت قانع باشیم؛ بلکه باید «قَوَامِينَ بِالْقِسْطِ» (2)

باشیم.

■ نباید به مقاومت و صبر قانع باشیم؛ بلکه باید صَبَّار (بسیار صبور) باشیم: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (3)

■ نباید به کمک های خود به محرومان قانع باشیم؛ بلکه باید دیگران را نیز تشویق کنیم: «وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ» (4)

■ قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا» (5) در آموزه های دینی آمده است که رابطه ما با ولی خدا حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

ص: 42

1- «و بگو: پروردگارا، دانش مرا زیاد فرما» (طه، 114).

2- «پیوسته به عدالت قیام کنید» (نساء، 135).

3- «در این، نشانه هایی است برای هر صبور شکرگزار» (لقمان، 31؛ شوری، 33؛ ابراهیم، 5).

4- «[این همان شخص است که دیگران را] به اطعام مسکین تشویق نمی کند» (ماعون، 3).

5- «ای کسانی که ایمان آورده اید، ایمان خود را عمیق تر کنید» (نساء، 136).

باید روزبه روز قوی تر شود؛ از جمله در دعای عهد عرض می کنیم: «... عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً» (1)

یعنی از مرحله تعهد به مرحله گره خوردن و پس از گره خوردن، بیعت کردن و وفاداری؛ تا آنجا که بخواهیم در راستای پیوند، جان خود را فدا کنیم.

قرآن می فرماید: «يُنْفِقُونَ»، (2)

«يُجَاهِدُونَ» (3)

یعنی کمال باید استمرار داشته باشد. باید به قله ها دست یابیم و از مرزهای علمی عبور کنیم و با شتاب پیش برویم. و این شتاب باید ادامه یابد و این پیشرفت فقط در یکی دو شاخه نباشد؛ بلکه باید این پیشرفت در صنعت، نیرو، معدن، سلامت، کشاورزی و همه چیز باشد.

17. توجه به ظرفیت ها

اشاره

ظرفیت های خود را کشف کنیم و بدانیم در انسان، غریزه بی نهایت طلبی وجود دارد و این غریزه، گامی برای اتصال به خداست؛ چون بی نهایت طلب را وجود بی نهایت سیر می کند. انسان اگر به خدا وصل شد، به هدف می رسد و آرامش پیدا می کند: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». (4)

غیر از خدا، هیچ پست و مقامی انسان را ارضا نمی کند. ما از بی نهایت سرچشمه گرفته ایم و باید به آن برسیم: «إِنَّمَا إِلَهُ الْوَاقِعَاتِ رَاجِعُونَ». (5)

از سجده ملائکه بر انسان (6)

و آیه «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (7) و نیز

ص: 43

1- «پیمان و بیعت [خود با حضرت مهدی را که بر عهده ام است، تجدید می کنم]» (نک: عباس قمی، کلیات مفاتیح الجنان، ص 815، دعای عهد).

2- این واژه بیست بار در قرآن کریم به کار رفته است (نک: بقره، 3 و 261 و 274؛ آل عمران، 134 و...).

3- مائده، 54.

4- «همانا یاد خدا موجب آرامش دل هاست» (رعد، 28).

5- «ما از خداییم و به سوی او بازمی گردیم» (بقره، 156).

6- نک: بقره، 34.

7- «و [خدا] همه [معانی] نام ها را به آدم آموخت» (بقره، 31).

آیاتی نظیر: «خَلَقَ لَكُمْ»⁽¹⁾

«سَخَّرَ لَكُمْ»⁽²⁾

و «مَتَاعٌ لَكُمْ»⁽³⁾

که اشاره می کند تمام هستی برای انسان آفریده شده است، به ظرفیت خود پی می بریم. این ظرفیت جز به دست رهبری معصوم هدایت نمی شود. آری، گذاشتن دست انسان با این همه ظرفیت و استعداد در دست غیر معصوم، ظلم به انسانیت است. امام کاظم (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّ أَبْدَانَكُمْ لَيْسَ لَهَا ثَمَرٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَتَّبِعُوهَا بَغَيْرِهَا.»⁽⁴⁾ (همانا بدن های شما جز بهشت، بهایی ندارند؛ پس آن ها را به چیز دیگر نفروشید.) اینک به مرور ظرفیت ها در سه محور انسانی و مادی و انقلاب اسلامی می پردازیم:

الف. ظرفیت های انسانی

1. وجود نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی؛
2. جمعیت جوان زیر چهل سال؛
3. وجود چهارده میلیون نفر دارای تحصیلات عالی؛
4. رتبه دوم جهان در دانش آموختگان علوم مهندسی؛
5. وجود انبوه جوانانی با روحیه انقلابی و آماده تلاش جهادی؛
6. بالاتر بودن استعداد علم و تحقیق ملت ایران از متوسط جهانی؛
7. وجود جمع چشم گیر جوانان محقق و دانشمند شاغل در آفرینش های علمی و فرهنگی و صنعتی و ...

ص: 44

1- بقره، 29.

2- جاثیه، 13.

3- نور، 29.

4- محمد بن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج 1، ص 19.

ب. ظرفیت های مادی

1. داشتن 7 درصد ذخایر معدنی جهان با وجود 1 درصد جمعیت جهان؛
2. منابع عظیم زیرزمینی؛
3. موقعیت استثنایی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب؛
4. بازار بزرگ ملی؛
5. بازار بزرگ منطقه ای با داشتن 15 همسایه با 600 میلیون جمعیت؛
6. سواحل دریایی طولانی؛ 7. حاصل خیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی؛
8. اقتصاد بزرگ و متنوع.

ج. ظرفیت های انقلاب اسلامی

1. مدیریت جهادی، الهام گرفته از ایمان اسلامی و اصل «ما می توانیم»؛
2. نرم افزار تبدیل ظرفیت ها به مؤلفه های قدرت؛
3. وجود انسان های غالباً جوان با رتبه های رفیع انسانیت، با ویژگی هایی از قبیل شجاعت، فداکاری، پیش روی و...؛
4. وجود جوانان زنده کننده ماجراهای صدر اسلام، با ویژگی هایی از قبیل: دل های مستعد و نورانی، ذکر و دعا، روحیه برادری، روحیه ایثار و مجاهدت در میدان های سخت و... .

18. نگاهی به تفاوت ها

اشاره

تفاوت کاملاً معنادار چالش های پیش روی انقلاب در سال 1357 با چالش های 1397:

ص: 45

1. چالش ایران با آمریکا

- 1357: کوتاه کردن دست عمال بیگانه، تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی، رسواکردن لائۀ جاسوسی آمریکا؛
- 1397: حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی، برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا در غرب آسیا، حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین های اشغالی، دفاع از پرچم حزب الله و مقاومت در سراسر منطقه.

2. چالش غرب با ایران

- 1357: جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی توسط ایران؛
- 1397: جلوگیری از انتقال سلاح های پیشرفته ایرانی به نیروهای مقاومت.

3. تصور آمریکا از ایران

- 1357: تقوُّق بر نظام اسلامی و ملت ایران با چند ایرانی خودفروخته یا چند هواپیما و بالگرد؛
- 1397: نیاز به ایجاد یک ائتلاف بزرگ از ده ها دولت معاند یا مرعوب برای مقابلهٔ سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی.

تفاوت های پیش گفته، انسان را به یاد تفاوت های حق و باطل در قرآن می اندازد:

* روزی [پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و] مسلمانان در مکه امنیت نداشتند(1)

و امروز اسلام تقریباً در همهٔ دنیا مطرح است.

ص: 46

* روزی امام حسین (علیه السلام) یک زائر بیشتر نداشت: جابر بن عبدالله انصاری(1)

و امروز میلیون ها زائر دارد.

* روزی مردم را از شیندن قرآن منع می کردند: «لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ»؛ (2) ولی قرآن بارها وعده داده است که اسلام بر همه ادیان و مذاهب غلبه پیدا خواهد کرد؛ گرچه کافران و مشرکان آن را خوش نداشته باشند: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (3).

این نوع وعده ها در قرآن مکرر آمده است تا مردم باور کنند که می شود یوسفی از ته چاه به حکومتی برسد، (4) کودکی یتیم، پیامبر شود (5).

و همه طاغوت های ستمگر را تهدید کند، کشوری بدون وابستگی به شرق و غرب و با شعار نه شرقی و نه غربی پیروز شود و از گردنه های سخت عبور کند.

در قرآن می خوانیم: «... كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (6) یعنی وعده پیروزی حق بر باطل (7).

سابقه دارد و اگر خدا بخواهد، کودکی مثل موسی را در آب حفظ (8) و فرعون را در همان آب غرق می کند. (9)

19. توجه به شباهت ها و نمونه های تاریخی

گاهی اوقات ممکن است مسائل و حوادث برای بعضی، مهم یا سخت یا محال جلوه کنند. قرآن این مسئله را با بیان نمونه های تاریخی حل می کند تا دل ها آرام گیرد. اگر بدانیم مسائلی که برای ما پیش می آید، در طول تاریخ

ص: 47

1- محمد بن حسن طوسی (شیخ الطائفه)، مصباح المتهجد، ج 2، ص 787.

2- «به این قرآن گوش ندهید» (فصلت، 26).

3- توبه، 33؛ صف، 9.

4- نک: یوسف، 10 و 54 و 56.

5- نک: فصلت، 26.

6- «... همان گونه که پیشینیان آن ها را جانشین [خود] قرار داد» (نور، 55).

7- نک: اسراء، 81.

8- نک: قصص، 7 تا 13.

9- نک: یونس، 90.

مشابهات فراوان داشته است، حل کردن آن ها برای ما آسان می شود؛ مثلاً:

* دستور روزه گرفتن در امت های پیشین نیز بوده است: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» (1) [ای کسانی که ایمان آورده اید،] روزه بر شما مقرر شد؛ همان گونه که بر پیشینیان شما مقرر شده بود.

* اگر بدانیم شکست ها و رنج های جبهه و جنگ برای دشمنان نیز هست، سختی های جهاد آسان می شود: «فَأَنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ» (2).

«إِنْ يَمْسَسُكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ» (3).

* در مشکلات می توان از افراد صابر الگو گرفت. خداوند به پیامبرش می فرماید: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (4). * به فرموده قرآن، زخم زبان هایی که به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و یارانش زده می شد، به پیامبران و مؤمنان قبل از آن ها نیز گفته می شد: «مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدَّ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ» (5)، «وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (6)، «فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ» (7).

* برخورد قاطع با شایعه پراکنانی که در مردم اضطراب و دلهره ایجاد می کنند، در ادیان دیگر نیز بوده است: «سُنَّهَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ» (8)، «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» (9)؛ یعنی ای پیغمبر، اگر گروهی از دین سرپیچی کردند، ناراحت نباش، که افراد مشابهی

ص: 48

1- بقره، 183.

2- «آن ها نیز همانند شما درد و رنج می بینند» (نساء، 104).

3- «اگر به شما جراحتی می رسد، پس قطعاً به گروه کفار نیز زخمی همانند آن رسیده است» (آل عمران، 140).

4- «پس صبر کن؛ همان گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند» (احقاف، 35).

5- «[ای پیامبر،] به تو گفته نمی شود جز آنچه به پیامبران قبل از تو نیز گفته شده است» (فصلت، 43).

6- «و هیچ پیامبری برایشان نمی آمد، مگر آنکه به استهزای او می پرداختند» (حجر، 11).

7- «و امروز، مؤمنان به کافران می خندند» (مطففین، 34).

8- «[این] سنت خداست که قبلاً در میان گذشتگان [معمول] بوده است» (احزاب، 38).

9- «به زودی خدا گروهی [دیگر] را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند» (مائده، 54).

به جای آنان ایمان می آورند.

* همواره در مقابل گروهی بخیل، افرادی سخاوتمند وجود دارند: «وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسَّرَ لَكُمُ الْيُسْرَىٰ أُولَٰئِكَ سَيَرْحَمُهُ اللَّهُ إِنََّّهُ يَعْلَمُ الْقُلُوبَ» (1) راه تشکر از این همه نعمت، این است که ما در راه تکامل این نعمت ها از مرحله خودسازی به مرحله جامعه پردازی و سپس به مرحله تمدن سازی برویم و برای انقلابی جهانی به رهبری حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آماده باشیم. به جای افکار غلطی که می گویند باید حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیاید تا جامعه را بسازد، می گوئیم ما جامعه را می سازیم تا حضرت تشریف بیاورد؛ همان گونه که در شب تاریک چراغی روشن می کنیم و منتظریم خورشید طلوع کند و در سرما کاشانه مان را گرم می کنیم و منتظر می مانیم بهار فرا برسد.

امام صادق (علیه السلام) به نقل از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند انتظار ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یک عمل است: (2) تمدن سازی برای ظهور آن حضرت! طبق مضمون روایتی دیگر از امام صادق (علیه السلام)، دانش بشر 27 حرف است که تا ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تنها 2 حرف از آن را پیامبران می آورند و حضرت پس از ظهور و حضورش، 25 حرف دیگر را بیرون می آورد و آن را بین مردم نشر می دهد. (3)

20. توجه به بایدهای پیش رو

باید بدانیم دشمنان برای ما مشکلات جان فرسا ایجاد کرده و خواهند کرد.

ص: 49

1- «و هرگاه [از انفاق کردن] سرپیچی کنید [و بخل بورزید]، خداوند گروه دیگری را به جای شما می آورد؛ پس آن ها مانند شما نخواهند بود [و سخاوتمندانه در راه خدا انفاق می کنند]» (محمد، 38).

2- احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ج 1، ص 291.

3- «الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا... فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَّهَا فِي النَّاسِ» (نک: سعید بن هبهالله قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج 2، ص 841؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 52، ص 336).

باید صبور باشیم و با هوشیاری و تدبیر از آن‌ها عبور کنیم؛ همان‌گونه که دشمنان انبیا این مشکلات را برای ایشان پیش می‌آوردند. قرآن می‌فرماید: «وَكَأَيُّنَ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا صَدَّ عَنْهُمْ وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (1) (و چه بسیار پیامبرانی که همراهشان، خداپرستان بسیاری جنگیدند؛ پس برای آنچه در راه خدا به آنان رسید، نه سستی کردند و نه ناتوان شدند و تن به ذلت ندادند. خداوند صابران را دوست دارد.)

آری، تاریخ انبیا همواره با مبارزه همراه بوده است؛ پس باید از آنان درس بگیریم. نباید مشکلات، عامل سستی و ضعف شوند؛ بلکه باید عامل حرکت و تلاش جدیدی باشند. مشکلات و ناملايمات نمی‌توانند مردان خدا را به تسلیم وادار کند.

به گواهی قرآن کریم، رزمندگان بصیر، نه از درون روحیه خود را می‌بازند و سست می‌شوند: «فَمَا وَهَنُوا» و نه توان رزمی خود را از دست می‌دهند: «وَمَا صَدَّ عَنْهُمْ» و نه بر اثر ناملايمات تسلیم می‌شوند و تن به ذلت می‌دهند: «وَمَا اسْتَكَانُوا». (2) بنابراین باید خود را آماده عبور از گردنه‌ها کنیم. در حدیثی از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌خوانیم: «مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلَيْسَتْ عِدَّةٌ لِلْفَقْرِ جَلْبَابًا». (3) هرکس که ما اهل بیت را دوست دارد، باید برای پوشیدن پیراهن [شکیبایی بر] فقر و محرومیت آماده شود؛ [یعنی خود را برای زندگی ساده و زاهدانه آماده کند].

کاملاً واضح است که مرفهان بی‌درد نمی‌توانند بازویی برای انقلاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بوده، در آن تمدن بزرگ، نقش آفرین باشند.

ص: 50

1- آل عمران، 146.

2- آل عمران، 146.

3- علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، حکمت 112.

نگاه ها، روحیه ها، عمل ها، همت ها، هوشیاری ها، ابتکارها، عبرت گیری ها، صداقت ها، صراحت ها و اقتدارها، باید انقلابی و جهادی و جهانی باشند و در راستای استقلال خود و نجات خود و مظلومان جهان قرار گیرند. با این صفات می توان طرح تمدن اسلامی را پایه ریزی کرد.

ممکن است در اولین نگاه، به وجود آوردن چنین جامعه ای سخت باشد؛ ولی طبق نظر قرآن، با داشتن ایمان می توان همه کار کرد. در جنگ اُحد، وقتی به سبب اطاعت نکردن از فرماندهی، قوای اسلام با شکست مواجه شد و مسلمانان روحیه شان را از دست دادند، آیه «وَ لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (1) نازل شد. خداوند خطاب به آن ها فرمود مبادا با شکست، خود را بیازید؛ بلکه با تقویت ایمان، خود را تقویت کنید که در این صورت، برتری با شماست.

در جهان بینی مادی، سلاح و تجهیزات عامل پیروزی است؛ ولی در بینش الهی، عامل پیروزی ایمان است. در آیه بعد می فرماید: «... وَ تِلْكَ الْآيَاتُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (2).

این آیه ضمن دلداری دادن به مسلمانان، این واقعیت را بیان می کند که اگر شما به منظور حق و برای هدفی الهی متحمل ضرر جانی شده اید، دشمنان شما نیز کشته و مجروح داده اند. اگر شما امروز در جنگ اُحد پیروز نشده اید، دشمنان شما نیز دیروز در جنگ بدر شکست خورده اند؛ پس در سختی ها بردبار باشید.

ص: 51

1- «و اگر مؤمن هستید، سستی نکنید و غمگین نباشید که شما برترید» (آل عمران، 139).

2- «... و ما روزها [ی شکست و پیروزی] را در میان مردم تقسیم می کنیم تا خداوند [با امتحان،] کسانی را که ایمان آورده اند، معلوم کند و از شما گواهانی [بر دیگران] بگیرد و خداوند ستمگران را دوست نمی دارد [گرچه گاهی به ظاهر پیروز شوند]» (آل عمران، 140).

امام صادق (علیه السلام) درباره این آیه فرمودند: «از روزی که خداوند آدم را آفرید، قدرت و حکومت خدایی و شیطانی در تعارض با یکدیگر بوده اند؛ اما دولت کامل الهی با ظهور حضرت قائم (علیه السلام) تحقق می یابد.»⁽¹⁾ قرآن در ادامه می فرماید: «وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ»⁽²⁾

(و [فرازونشیب های جنگ] برای آن است که خداوند افراد مؤمن را پاک و خالص و کافران را [به تدریج] محو و نابود کند.) گویا خدا می خواست ضعف های مسلمانان را با شکست در جنگ احد به آنان نشان دهد تا به فکر اصلاح و جبران نقایص بیفتند و برای حرکت های بعدی، آمادگی لازم را داشته باشند. آری، گاهی شکست های سازنده و بیدارگر، از پیروزی های غافلانه و بدون عمق مطلوب تر است.

21. عدالت نسبی؛ نه عدالت مطلوب

ممکن است هر کمالی در جایی مطلوب و در جایی دیگر نقص باشد. مثلاً ممکن است بخشش در موقعیتی خوب و در موقعیت دیگر خوب نباشد. ولی عدالت کمالی است که نسبت به هرچیز و در همه جا کمال است؛ حتی در برابر دشمن! قرآن به ما اجازه نمی دهد از مرز عدالت خارج شویم: «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»⁽³⁾.

عدالت در همه زمان ها و زمین ها فریضه ای است که بر عهده همه مردم و به خصوص حاکمان است.⁽⁴⁾

ناگفته پیداست که برای تحقق عدالت باید با هر نوع فساد اقتصادی،

ص: 52

1- محمد بن مسعود عیاشی، التفسیر، ج 1، ص 199.

2- آل عمران، 141.

3- «بعثت انبیا برای آن است [که مردم بر اساس عدالت به پا خیزند]» (حدید، 15).

4- نک: عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص 242.

اخلاقی و سیاسی و زمینه‌های رشد بی‌عدالتی و تبعیض‌ها در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی مبارزه کرد. البته این عدالت به تشکیلاتی نیاز دارد که محتاج افرادی کارآمد، تیزبین، قاطع، باایمان، جهادگر، دست‌ودل‌پاک، منیع‌الطبع و مصون از وسوسه‌های گوناگون است؛ وگرنه بی‌عدالتی‌های درونی، به بی‌عدالتی‌های بیرونی تبدیل می‌شود و اصل مقبولیت و مشروعیت نظام را متزلزل می‌کند.

اجرای عدالت، به برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت و جامع نیاز دارد. هم باید از تشکیل نطفه فساد در هر دستگاه پیشگیری شود و هم باید اگر نطفه منعقد شد و راه فساد و تبعیض برای ویژه‌خواران و فریب‌کاران اقتصادی باز شد، عاقلانه و مسئولانه و جهادی و با تدبیر مبارزه کرد و از تبلیغات و ارباب‌ها و جنگ روانی نهراسید.

آری، قوی‌ترین اهرم در برابر تهدیدات دشمن، ایمان و توکل به خداست. مؤمن وقتی در گرداب بلا قرار می‌گیرد، توکل و اتصال خود به خدا را بیشتر می‌کند. قرآن در ستایش گروهی از مردم می‌فرماید همین که به آنان گفته می‌شد: «بی‌شک مردم مشرک مکه بر ضد شما بسیج شده‌اند؛ پس از آنان بترسید»، به جای ترس بر ایمانشان افزوده می‌شد: «إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا» (1). چه بسا بر اثر اجتناب از زیان‌رسانی دشمن و به سبب ترس و عقب‌نشینی، گرفتار ذلتی می‌شویم که زیان‌معنوی مهم‌تری است. آنچه مهم است، حفظ عزت کشور و ملت به صورتی حکیمانه و مصلحت‌جویانه از موضع انقلابی است. آری، عقب‌نشینی یعنی زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه‌گرگ.

ص: 53

مؤمن اگر گرفتار حرص و لقمه حرام شد و با این صفت مسئولیتی گرفت، مسئولیتش هرگز مشروع نخواهد بود. بلای مهم، ضعف مدیریتی بعضی مسئولان و غفلت آنان از ظرفیت های کم نظیر طبیعی و انسانی و بی توجهی به شعارهای انقلاب است. در قرآن می خوانیم: «وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُونَهُمْ بِأَذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَاصَصَيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِّنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَ مِّنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَدَقَكُمُ عَنْهُمْ لَيْبِلَيْكُمُ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (1) در سال دوم هجری که مسلمانان در جنگ بدر پیروز شدند، خداوند وعده داد که در جنگ های آینده نیز پیروز می شوند. (2)

در سال بعد که جنگ احد واقع شد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پنجاه نفر مسلح را برای حفاظت از کوه عینین در سمت چپ احد، نصب کرد. چون جنگ شروع شد، در آغاز مسلمانان حمله کردند و نفس دشمن را گرفتند و آن ها را شکست دادند؛ اما متأسفانه بین آن پنجاه نفر که مسئول حفاظت از کوه بودند، اختلاف شد. عده ای گفتند: «پیروزی ما قطعی است؛ پس به سراغ جمع کردن غنائم برویم» و عده کمی همچنان سنگرها را حفظ کردند. (3)

دشمن شکست خورده، از همان منطقه ای که بدون محافظ مانده بود، حمله کرد و این بار مسلمانان ضربه سنگینی خوردند و شهدای بسیاری دادند، تا آنجا که جان پیامبر در معرض خطر قرار گرفت و بسیاری از

ص: 54

1- «و قطعاً خداوند وعده خود [مبنی بر پیروزی شما در جنگ احد] را محقق کرد؛ زیرا دشمن را با خواست او می کشتید. تا آنکه سست شدید و در کار [جنگ و تقسیم غنائم] به نزاع پرداختید و [از دستور پیامبر] نافرمانی کردید، با آنکه خداوند [پیروزی و] آنچه را [از غنائم] که محبوبتان بود، به شما نشان داده بود. برخی از شما خواهان دنیایند [و غنائم جنگی]، و برخی خواهان آخرت [و شهادت در راه خدا]. پس آنگاه خداوند شما را از [تعقیب] آنان منصرف ساخت [و پیروزی شما به شکست انجامید] تا شما را بیازماید؛ ولی از [خطای] شما درگذشت و همانا خداوند در قبال مؤمنان، صاحب فضل و بخشش است» (آل عمران، 152).

2- آل عمران، 125 تا 127.

3- نک: فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص 81.

پس از پایان جنگ، مسلمانان از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) انتقاد می کردند که مگر خدا به ما وعده پیروزی نداده بود؛ پس چرا شکست خوردیم؟ قرآن در پاسخ آنان می فرماید که وعده خدا راست و درست بود؛ ولی سستی و نزاع و نافرمانی عامل شکست مسلمانان شد. آری، معنای تحقق وعده های خدا، نادیده گرفتن سنت های الهی نیست. نصرت خداوند تا زمانی است که انسان ها به وظیفه خود عمل کنند: «لَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعَدَهُ... إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ...». در ادامه آیه به این نکته اشاره شده است که در میدان جنگ، افراد برای هدف های متفاوت می جنگند: بعضی برای دنیا و بعضی برای آخرت: «مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ» (1).

البته به تعبیر قرآن، عامل شکست های بیرونی، درونی است و خطاب به مسلمانان می فرماید: «فَشِلْتُمْ... صَرَفَكُم عَنْهُمْ» (2).

اگر به الگوی مقاومت و بیداری اسلامی و شکست سیاسی آمریکا در منطقه و زمین گیر شدن همکاران خائن آمریکا و گسترش حضور قدرتمندان سیاسی خود پی ببریم و از تجربیات گذشته درس بگیریم و به وسوسه های مالی و تهدیدها بی اعتنا باشیم و به جهاد علمی جوانان توجه کنیم و بدانیم دشمن در حال احتضار است، هرگز خود را نخواهیم باخت.

22. توجه به اقدامات دشمن

اشاره

دشمن گاهی تظاهر می کند که صدای جدی و جدید انقلاب را نشنیده

ص: 55

1- آل عمران، 152.

2- «شما [در درون] سست [و نافرمان] شدید...؛ آنگاه [خداوند] شما را از [تعقیب] آنان منصرف ساخت؛ [از این رو در بیرون شکست خوردید]» (آل عمران، 152).

است. قرآن به این افراد می فرماید: «أَفَلَا تَسْتَعِينُونَ» (1). او می خواهد صداها را با تحریف و دروغ خفه کند: «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ» (2) و پیشنهادهای فریب کارانه می دهد. مثلاً بعضی از سران قریش به پیامبر گفتند: «ای محمد، تو یک سال از آیین ما پیروی کن، ما هم یک سال از آیین تو پیروی می کنیم. آنگاه هر کدام بهتر بود، آن را ادامه می دهیم.» اما پیامبر نپذیرفت و فرمود: «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِي» (3).

و (4)

* دشمن دل جوانان و نوجوانان و نونهالان ما را با تهاجم روزافزونِ کانون های ضد معنویت و ضد اخلاق و بهره گیری از ابزارهای رسانه ای منحرف می کند: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ» (5).

در تفسیر این آیه، به نقل از امام صادق (علیه السلام) آمده است ظاهراً شخصی به نام نصر بن حارث که از حجاز به ایران سفر می کرد، افسانه های ایرانی مانند افسانه رستم و اسفندیار و سرگذشت پادشاهان را آموخته بود و برای مردم عرب بازگو می کرد و می گفت: «اگر محمد برای شما داستان عاد و ثمود می گوید، من نیز قصه ها و اخبار عجم را بازگو می کنم.» (6) این آیه نازل شد و کار او را شیوه ای انحرافی دانست.

بنابراین یکی از عوامل مهم گمراه کننده، سخن باطل است. گویندگان و خوانندگانی که مردم را سرگرم می کنند و آنان را از حق و

ص: 56

1- «آیا نمی شنوید؟!» (قصص، 71).

2- «کلمات را تحریف می کنند» (نساء، 46؛ مائده، 13 و 41).

3- «دین شما برای خودتان و دین من برای خودم» (کافرون، 6).

4- نک: علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمّی، ج 2، ص 445؛ سیدهاشم بن سلیمان بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج 5، ص 781.

5- «و برخی از مردم، خریدار سخنان بیهوده و سرگرم کننده اند تا بی هیچ علمی [دیگران را] از راه خدا گمراه کنند» (لقمان، 6).

6- محمد بن علی بن شهر آشوب سَروی مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 52.

حقیقت بازمی دارند، سعی کرده اند در موقعیت های گوناگون و با ابزارهای مختلف، مردم را از مسیر درست منحرف کنند. در ادامه به چند نمونه از آن ها اشاره می کنیم:

■ گاهی با تحلیل مغرضانه می گفتند افرادی که دور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جمع شده اند، اهداف مادی دارند و اگر به آن ها کمک نکنیم، پراکنده می شوند: «لَا تُتَفَقَّهُوا عَلٰی مَنْ عِنْدَ رَسُوْلِ اللّٰهِ حَتّٰی يَنْفَضُوْا». (1)

■ گاهی با مایوس سازی مردم و مسئولان و مدیران از آینده از طریق وارونه نشان دادن واقعیت ها، آن ها را گمراه و منحرف می کردند: «قَلَّبُوْا لَكُمْ اَلْمُوْرَ». (2)

■ گاهی با پنهان کردن جلوه های امید از طریق نشان دادن ضعف ها و شکست خودی ها و بزرگ نمایی دشمنان این کار را می کردند. قرآنی فرماید قدرت های غیرالهی مثل تار عنکبوت هستند و نصرت خداوند نزدیک است: «نَصْرٌ مِّنَ اللّٰهِ وَفَتْحٌ قَرِيْبٌ». (3)

■ گاهی با بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن خوبی ها، قصد تضعیف و نابودی نظام را داشته اند.

علل گمراهی مردم از دیدگاه قرآن

علاوه بر عامل «سخن باطل» که در مطالب پیش گفته به آن پرداختیم، در آیات دیگری از قرآن، به برخی از عوامل گمراهی مردم اشاره شده است:

1. طاغوت که گاهی با تحقیر: «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ» (4) و گاهی با تهدید:

ص: 57

1- «به کسانی که نزد پیامبر خدایند، انفاق نکنید تا پراکنده شوند» (منافقون، 7).

2- «و کارها را بر تو وارونه ساختند» (توبه، 48).

3- فتح، 13.

4- «[فرعون] قوم خود را سبک شمرد» (زخرف، 54).

مردم را منحرف می کند.

2. شیطان که با وسوسه هایش انسان را گمراه می کند: «يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ» (2)

و به مخالفان اسلام دستور حمله می دهد و می گوید امروز شما پیروزید: «لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ» (3).

3. عالم و هنرمند منحرف که با استفاده از دانش و هنرش، دیگران را منحرف می سازد: «وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ» (4). صاحبان قدرت و ثروت که با استفاده از قدرت و ثروت، مردم را از حق بازمی دارند و آن ها را از حقیقت دور می کنند: «إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّنَا

السَّبِيلَ» (5).

با توجه به آنچه گفته شد، باید بدانیم که همه این برنامه ها برای خاموش کردن نور اسلام است؛ آن هم با فوت کردن! در حالی که خداوند می فرماید: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (6).

آری، طبق این آیه، تلاش های کافران همچون نموده ها، فرعون ها، بنی امیه و بنی عباس در مبارزه با دین، مثل فوت کردن به خورشید است: «يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ».

دشمنان باید بدانند که با اراده حتمی خداوند برای پیروزی دین حق طرف اند و هرگونه تلاش علیه مکتب اسلام، محکوم به شکست است: «يُتِمَّ نُورَهُ».

ص: 58

1- «[فرعون به موسی گفت:] تو را از زندانیان قرار خواهم داد» (شعراء، 29).

2- «شیطان می خواهد آنان را گمراه کند» (نساء، 60).

3- «(امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نخواهد شد» (انفال، 48).

4- «و سامری آن ها را گمراه کرد» (طه، 85).

5- «... ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند» (احزاب، 67).

6- «می خواهند نور خدا را با دهان هایشان خاموش سازند؛ ولی خداوند جز این نمی خواهد که نور خود را به کمال برساند؛ هرچند کفار ناخشنود باشند» (توبه، 32).

اما دشمن نمی داند که این اقدامات، با قدرت ایمان ملت و انگیزه امت و رهبری الهی و جهاد علمی و اصلاح مشکلات درونی و مرزبندی قاطع و منطقی، یکی پس از دیگری خنثا خواهد شد.

23. توجه به اقتصاد

اقتصاد هدف نیست؛ وسیله است. اقتصاد اگر ضعیف باشد، زمینه نفوذ دشمن، دخالت دشمن و سلطه دشمن است و اگر قوی باشد، وسیله قدرت کشور و عزت کشور خواهد بود.

* اسلام طرف دار تولید است. خداوند می فرماید زمین و آسمان و باد و باران و میوه و نهرها و نور را مسخر شما کردم (1)

و شما باید که باید با تلاش، از این منابع استفاده و تولید کنید: «وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (2)

آن هم تولید باکیفیت! در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) به نقل از پدر بزرگوارشان امام باقر (علیه السلام) آمده است که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرموده اند: «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَاباً ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ.» (3)

(کسی که آب و خاک دارد [اگر کشت و تولید نکند] و فقیر شود، خدا او را از لطف خودش دور می کند.)

امت اسلامی باید در همه چیز، از جمله تولیدات، موجب عزت اسلام شود؛ یعنی همین که مردم بدانند سازنده یک محصول مسلمان است، به سبب تولید باکیفیت آن محصول، به اسلام علاقه مند شوند؛ چنان که امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: «...كُونُوا لَنَا زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا.» (4)

* اسلام طرف دار توزیع عادلانه، به اندازه، بی اسراف، همراه با مدیریتی

ص: 59

1- نک: ابراهیم، 32 تا 34.

2- «و آبادی آن را به شما واگذاشت» (هود، 61).

3- عبدالله بن جعفر حمیری قمی، قرب الإسناد، ص 115.

4- «... موجب زینت ما باشید و وسیله ننگ ما نباشید» (محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص 400).

خردمندانه است. اقتصاد ما نباید وابسته به نفت و دلار آن باشد و از ظرفیت داخلی استفاده نکنیم. قرآن می فرماید حضرت یعقوب (علیه السلام) به پسران خود سفارش کرد: «لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ» (1).

آری بنا به گفته برخی مفسران، برای پیدا کردن یوسف نباید از یک طریق اقدام کرد. (2) این خود یک اصل است که خداوند حکیم در مخلوقات نیز این حکمت را به کار برده است. مثلاً بعضی اعضای بدن جفت است که با حذف یکی، انسان در زندگی فلج نشود. باید انسان در حل مسائل اقتصادی، گزینه های متعددی داشته باشد تا مثلاً با تمام شدن نفت یا فروش نرفتن آن، کشور فلج نشود.

* اقتصادی برپاست که از درون باشد، مولد باشد، دانش بنیان باشد، مردمی باشد؛ نه دولتی. دشمن می خواهد از بیرون با تحریم و وسوسه و تبلیغات، مسلمانان را به چالش بکشد. قرآن می فرماید: «إِنْ تَمَسَسْتُمْ حَسَنَةً تَسُوهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» (3)؛

بنابراین باید اهل صبر و تقوا باشیم تا حيله های آنان به ما ضربه ای نزنند.

* گاهی آسیب از درون است؛ مثلاً به سبب حرص ها، بخل ها، کسالت ها، تن پروری ها، ضعف های مدیریتی و عیب دانستن کار، اقتصاد ما دچار آسیب می شود که هریک از این مسائل در آیات و روایات نمونه هایی دارد.

با بررسی برخی کلیدواژه های اقتصادی می توان سیمای اقتصاد در

ص: 60

1- یوسف، 67.

2- نک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 10، ص 30، به نقل از: مرحوم اشراقی؛ محسن قرائتی، تفسیر نور، ج 4، ص 248.

3- «اگر خوبی به شما برسد، آنان را غمگین می سازد و اگر بدی به شما برسد، آن ها بدان شادمان می شوند و اگر [در برابرشان] صبر کنید و پرهیزکار باشید، حيله بدخواهانه آنان هیچ گونه آسیبی به شما نمی رساند. خداوند به آنچه انجام می دهند، احاطه دارد» (آل عمران، 120).

اسلام را به دست آورد. مال و ثروت، آب و خاک، باران و طبیعت، کار و تلاش، شرکت و تعاون، مصرف و اسراف، بیت المال، حق الناس، خمس و زکات، رزق حلال، قرض الحسنه، وقف، بازار، نظارت و بازرسی، توزیع عادلانه، کشاورزی، صرفه جویی، محکم کاری و استاندارد، درخت کاری، محاسبه و بازرنگری، حقوق، خدمت و مدیریت، خودباوری و خودباختگی، محیط زیست، امنیت اقتصادی و ده ها موضوع دیگر که به نحوی در تولید و توزیع و مصرف و شیوه مدیریت اثرگذارند. حساب کسانی که با عقیده و ایمان و عشق ساختمان می سازند، با حساب کسانی که بر اساس مزایده و مناقصه و با هدف سود بیشتر چیزی می سازند، تفاوت دارد. در دنیا مهم ترین ساختمان ها مساجد و کلیساها هستند که بر اساس عشق و عقیده ساخته شده اند. حساب مادر و همسری که بر اساس محبت غذا می پزد، از حساب رستورانی که برای کسب درآمد غذا فراهم می کند، جداست. هزار کارگر و کارمند زن، مادر نمی شوند و ترکیب هزاران مواد غذایی شیر مادر نخواهد شد. در همه مسائل از جمله مسائل اقتصادی، باید به ایمان و اخلاق و علاقه و انگیزه توجه کرد.

24. رعایت اولویت ها

در همه مسائل، رعایت اولویت ها لازم است. چه بسیار پژوهش هایی انجام می گیرد و بودجه هایی هزینه می شود که به سبب بی توجهی به اولویت ها، آن تحقیقات هیچ ثمره ای ندارد. در قرآن می خوانیم که در انفاق، اولویت با والدین و بستگان است: «قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ...» (1)

ص: 61

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز در این باره در حدیثی فرموده اند: «لا صَدَقَةَ وَ ذُورَ حِمِّ مُحْتَاجٍ» (1)

(با داشتن خویشاوندان محتاج، صدقه دادن به دیگران روا نیست.)

25. اقتصاد هدفمند

اسلام در کنار تولید و مصرف، هدفمندی آن را گوشزد کرده است. گاهی در کنار فرمان مصرف می فرماید: «كُلُوا... وَ لَا تُسْرِفُوا» (2)

یعنی در خوردن زیاده روی نکنید. یک جا می فرماید: «كُلُوا... وَ أَشْكُرُوا» (3) یعنی برای خوردن، از خداوند تشکر کنید. در جایی دیگر می فرماید: «كُلُوا... وَ أَعْمَلُوا صَالِحًا» (4)

یعنی با قدرتی که از غذا خوردن به دست می آورید، کار نیک انجام دهید. گاهی چنین دستور می دهد: «كُلُوا... وَ لَا تَطْغَوْا فِيهِ» (5) یعنی از قدرتی که به وسیله غذا خوردن به دست آورده اید، طغیان نکنید. در جایی دیگر می فرماید: «كُلُوا... وَ آتُوا حَقَّهُ» (6)

یعنی بخورید و حق آن را ادا کنید. و نیز می فرماید: «فَكُلُوا... أَطْعَمُوا» (7) یعنی بخورید و به دیگران نیز اطعام کنید. از این آیات استفاده می شود که نه تنها تولید باید هدفمند باشد، مصرف نیز باید جهت دار باشد؛ آن هم جهتی در راستای رشد فرد و جامعه؛ وگرنه تولیدی که در راستای رشد نباشد، لعنت شده است. در حدیثی، امام صادق (علیه السلام) به نقل از پدران خود از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت می کند که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره شراب، ده گروه را نفرین کرد و فرمود: «لَعَنَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَ غَارِسَهَا وَ عَاصِرَهَا وَ

ص: 62

1- محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 381.

2- اعراف، 31.

3- بقره، 172.

4- مؤمنون، 51.

5- طه، 81.

6- انعام، 141.

7- حج، 28.

شَارِبَهَا وَ سَاقِيهَا وَ بَائِعَهَا وَ مُشْتَرِبَهَا وَ آكِلَ ثَمَنِهَا وَ حَامِلَهَا وَ الْمَحْمُولَةَ إِلَيْهِ» (1)

(خداوند شراب و نشاننده [درخت] آن و سازنده و نوشنده و ساقی و فروشنده و خریدار و خورنده پول آن و حمل کننده و تحویل گیرنده آن را لعنت کند.)

26. تعدیل ثروت

خمس و زکات گامی برای مهار ثروت است. اسلام از یک سو دست افراد قوی، مبتکر، پرکار و خلاق را در مالکیت باز گذاشته تا مانع رشد آنان نشود و از سویی درآمدهایی از قبیل ربا، سرقت، رشوه و اختلاس را ممنوع دانسته است. اما به مالکان درآمدهای حلال اجازه نمی دهد درآمد خود را هرگونه خواستند، مصرف کنند و آنان را از اسراف و تبذیر و ثروت اندوزی نهی فرموده است. در مقابل، با واجب کردن خمس و زکات و کفارات و سفارش اکید به انواع کمک ها و صدقه ها، بخشی از اموال آنان را با علم، اراده، عشق و ایمان، برای حل مشکلات طبقه محروم گرفته است.

صدها آیه در قرآن درباره انفاق، ایتاء، اعطاء، جهاد مالی، زکات، خمس، صدقه، کفاره، قرض الحسنه و امثال آن برای محرومیت زدایی و تعدیل ثروت آمده است. قرآن در کنار نماز، زکات را می آورد. (2)

در کنار روزه خواری، اطعام شصت فقیر را به عنوان کفاره قرار می دهد. (3) اولین سهم زکات را برای فقرا و مساکین قرار می دهد. (4) بخشی از خمس را برای محرومان قرار داده است. در جهاد و غنائم جنگی، سهمی را به فقرا داده است. (5) در عید

ص: 63

1- محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 8.

2- «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ» (نک: نمل، 3؛ لقمان، 4؛ مائده، 55؛ توبه، 71).

3- نک: سید محمد حسین بنی هاشمی خمینی و احسان اصولی، توضیح المسائل مراجع، ج 2، ص 928، مسئله 1660.

4- «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا...» (نک: توبه، 60).

5- نک: محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (شیخ مفید)، المقنعه، ص 278.

فطر، به زکات فطره و نان فقرا توجه دارد. (1)

در عید قربان، به ذبح حیوان و گوشت فقرا توجه دارد. (2)

27. نکاتی درباره اقتصاد اسلامی

رشد اقتصاد باید درونی باشد، نه وابسته به بیگانگان؛ چون در این صورت مسلمانان باید ذلت خود در مقابل بیگانگان را مشاهده کنند؛ در حالی که قرآن می فرماید: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا». (3)

* اقتصاد باید مولد باشد. پیامبر (علیه السلام) هرگاه میان مسلمانان مسابقه برگزار می کرد، جایزه های برندگان جوایزی مولد بود؛ یعنی یا شتر حامله، یا درخت خرما! شتر حامله تولیدکننده گوشت، کرک و شیر و وسیله حمل و نقل و درخت خرما نیز تولیدکننده چوب و خرما و سایه است. امروز جوایز دنیا معمولاً مصرفی و تجملاتی است.

* اقتصاد باید علمی و دانش بنیان باشد. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این باره فرموده اند: «يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ الْفُقَهَاءِ ثُمَّ الْمَشْجَرِ». (4) (ای گروه تجار، اول فقه و یادگرفتن احکام معاملات؛ سپس تجارت.) و نیز می فرمایند: «مَنْ اتَّجَرَ بِغَيْرِ عِلْمٍ اِزْتَطَمَ فِي الرَّبَا». (5)

(کسی که بدون علم و دانستن احکام شرعی تجارت، دست به تجارت بزند، در دام ربا می افتد.)

* اقتصاد باید مردمی باشد، نه دولتی. قرآن می فرماید: «أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ» (6) (آن کشتی، از آن بینوایانی بود که

ص: 64

1- نک: سیدمحمدحسین بنی هاشمی خمینی و احسان اصولی، توضیح المسائل مراجع، ج2، ص169، مسئله 1991.

2- «فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ» (حج، 36).

3- «و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است» (نساء، 141).

4- محمد بن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج5، ص150.

5- محمد بن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج5، ص154.

6- کهف، 79.

در دریا کار می کردند.) از این آیه استفاده می شود که حتی افراد مسکین می توانند با نوعی قرارداد شرکتی، تعاونی تأسیس کرده، از طریق آن درآمدی کسب کنند.

28. توجه به معنویات

اشاره

خالق هستی در کتاب آسمانی، نگاه بشر را به فراتر از مادیات معطوف کرده است و درباره هر کاری، از دو زاویه مادی و معنوی مسائلی را مطرح کرده است. کوتاه سخن آنکه در فرهنگ اسلام، برای بسیاری از امور مادی، مشابه معنوی نیز وجود دارد؛ برای مثال، امروز هر جا سخن از محیط زیست می شود، ذهن ها فقط به سراغ آب و خاک و جنگل و باد و باران و امثال آن می رود؛ اما اسلام علاوه بر آیات و روایات بسیاری که درباره حفظ محیط زیست دارد، با نگاهی بالاتر، به محیط زیست معنوی نیز پرداخته است:

1. امر به معروف و نهی از منکر، راهبردی اساسی برای حفظ سلامت محیط زیست اجتماعی بشر است.

2. حفظ عفاف و حجاب، برای جلوگیری از تبرج و خودنمایی زنان و مردان و مشغول ساختن ذهن و دل شهروندان به خودنمایی و فحشا و منکرات است.

3. خلوت نکردن با نامحرم، منع از نجوا و درگوشی صحبت کردن، تحریم غیبت و تجسس و تهمت و سوء ظن و امثال آن، راهی برای نگهداری محیط زیست معنوی و کیفی سازی آن برای زندگی جمعی است. 4. نهی از مطالعه کتاب های انحراف آمیز و سوق دهنده به کفر و دین گریزی، نهی از معاشرت با افراد نااهل و فتنه جو، حفظ ظواهر دینی در رفتار و گفتار و بالاخره مراعات ادب اجتماعی در روابط میان فردی،

ص: 65

نمونه هایی از بسترسازی برای تأمین محیط زیست سالم است.

ایمان، توکل، ایثار، اخلاص، خیرخواهی و دل سوزی، گذشت، کمک، شجاعت، تواضع و اعتماد به نفس در جامعه می تواند از مصادیق حفظ محیط زیست معنوی باشد. بسیاری از مشکلات اخلاقی و مفاسد اجتماعی را می توان با این گونه صفات برطرف کرد.

نگاه مادی و معنوی

1 خوراک مادی: «كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ». (1)

خوراک معنوی: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (2) که امام باقر (علیه السلام) در تفسیر این آیه می فرمایند: «إِلَى عِلْمِهِ الَّذِي يَأْخُذُهُ عَمَّنْ يَأْخُذُهُ». (3)

(ببیند علمی را که فرامی گیرد، از چه کسی می آموزد.)

2. لباس مادی: «سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ». (4) لباس معنوی: «وَلِبَاسِ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ». (5)

3. زینت مادی: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ». (6)

زینت معنوی: «حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ». (7)

4. سفر مادی: «وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ». (8)

ص: 66

1- مؤمنون، 51.

2- عبس، 24.

3- محمد بن عمر کشتی، اختیار معرفه الرجال المعروف برجال الکشتی، ج4، ص3.

4- «پیراهن هایی که شما را حفظ می کند» (نحل، 81).

5- «اما لباس تقوا بهتر است» (اعراف، 26).

6- «زینت خود را هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید» (اعراف، 31).

7- «خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل هایتان زینت بخشیده است» (حجرات، 7).

8- «و اگر در سفر بودید» (بقره، 283).

سفر معنوی: «إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا». (1)

5. رزق مادی: «مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ». (2)

رزق معنوی: «وَازْرُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ». (3)

6. شیرینی مادی: «حَلَاوَةُ الدُّنْيَا». (4) شیرینی معنوی: «حَلَاوَةُ الْإِيمَانِ». (5)

7. پاداش مادی: «جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ». (6)

پاداش معنوی: «وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ». (7)

8. پدر مادی: «وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ». (8)

پدر معنوی: «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَاهِذِهِ الْأُمَّه». (9)

9. هجرت مادی: «وَهَاجِرُوا». (10)

هجرت معنوی: «وَالرُّجْزَ فَأَهْجُرُ». (11)

ص: 67

-
- 1- «تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می روی و او را ملاقات خواهی کرد» (انشقاق، 6).
 - 2- «از میوه ها رزقی برای شما بیرون آورد» (بقره، 22).
 - 3- عباس قمی، کلیات مفاتیح الجنان، ص 281، اعمال مشترک ماه رمضان.
 - 4- علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، حکمت 251.
 - 5- محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 87، ص 201؛ محمد بن حسن طوسی، مصباح المتعجب، ج 2، ص 510.
 - 6- «باغ هایی که نهرها از زیر درختانش جاری است» (بقره، 25).
 - 7- «و خشنودی خدا بزرگ تر است» (توبه، 72).
 - 8- «و قسم به پدری [چنان] و فرزندی که به وجود آورد» (بلد، 3).
 - 9- «من و علی پدران این امت هستیم» (محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج 2، ص 85؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 36، ص 11).
 - 10- «و کسانی که [از وطن خود] هجرت کردند» (انفال، 72).
 - 11- «و از پلیدی به کلی دوری کن» (مدثر، 5).

امروز طراحان فاسد و مفسد می نشینند و برای ترویج سبک زندگی غربی در سایر کشورها برنامه ریزی می کنند؛ به گونه ای که دیر یا زود در همه کشورهای نسل نوسربازان آن ها باشند و در اخلاق، اقتصاد، رفتار و گفتار، لباس و آرایش، دیدنی ها، شنیدنی ها، نوشتنی ها، سبکی رایج شود که نسل نورا بی هویت کند تا مثل موم در اختیار شرق و غرب باشند و حتی در آرایش سر و صورت خود نیز از خود اختیاری نداشته باشند. این بی هویتی را در فضای حقیقی و مجازی فراوان می بینیم.

اگر انسان برای خود ارزشی قائل بشود، هرگز تسلیم هر حرف و شعار و موجی نمی شود. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید: «لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَتَّبِعُوهَا إِلَّا بِهَاءِ» (1)

(جان شما بهایی جز بهشت ندارد؛ پس آن را جز به بهشت نفروشید.) آیاتی چون: «فَمَا رِيحَتْ...» (2)

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ» (3)

«بِسْمَا اشْتَرَوْا...» (4)

«خُسْرَانٌ مُّبِينٌ» (5)

و نمونه هایی از این قبیل که بارها در قرآن بیان شده است، نشان می دهد وجود انسان ارزشمند است. انسان اگر بنده غیر خدا باشد، خود را ارزان فروخته است؛ چراکه غیر خدا، نه مالک است، نه رازق است، نه قادر است و نه بینا، نه شنوا، نه حکیم، نه رحیم و... بنابراین چنین بنده ای به تعبیر قرآن، هم در دنیا و هم در آخرت، جزو زیان کاران خواهد بود: «قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ» (6)

انسان موجودی است ابدی و می تواند با ایمان و عمل، به تمام مراحل

ص: 68

1- عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص 177 و 558.

2- «[تجارتشان] سودی نکرد...» (بقره، 16).

3- «واقعاً انسان در زیان کاری بزرگی است» (عصر، 2).

4- «به بد بهایی خود را فروختند...» (بقره، 90).

5- زمر، 15.

6- «زیان کاران در حقیقت کسانی اند که به خودشان در روز قیامت زیان رسانده اند» (زمر، 15).

کمال برسد. حتی اگر توفیق نداشت، با نیت می تواند ارزش ها و پاداش های آن کمال را برای خود ذخیره کند. اسلام انسان را موجودی می داند که ویژگی ها و امتیازات ارزشمندی دارد:

* با اراده، بی نهایت طلب، خلیفه خدا با بهترین قوام: «أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ». (1)

* دارای روح الهی: «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي». (2)

* مسجود فرشتگان: «أَسْجُدُوا لِآدَمَ». (3)

* وصل به خدا: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». (4)

* برای هدفی مقدس: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ». (5) * خداوند تمام هستی را در راستای خدمت به بشر و مسخر فرمان آن ها قرار داده است: «سَخَّرَ لَكُمْ» (6)

و «مَتَاعاً لَكُمْ». (7)

همه این مطالب و آیات و روایات، نشان دهنده ارزش انسان و هویت اوست. افراد بی هویت سعی می کنند دیگران را نیز بی هویت کنند. قرآن درباره هویت بخشی به انسان ها آیات فراوانی دارد؛ از جمله:

1. معبود تو، خدای علیم حکیم قادر رئوف است. (8)

2. راهنمای تو، پیامبر و امامان معصوم هستند. (9)

3. قانون تو، قرآن و وحی آسمانی است. (10)

ص: 69

1- تین، 4.

2- «و در آن، از روح خودم دمیدم» (حجر، 29).

3- «[ای فرشتگان الهی،] به آدم سجده کنید» (بقره، 34).

4- «به درستی که ما از خداییم و به سوی او بازمی گردیم» (بقره، 156).

5- «جن و انس را خلق نکردم مگر برای عبادت» (ذاریات، 56).

6- ابراهیم، 32 و 33؛ حج، 65؛ لقمان، 20.

7- عبس، 32؛ نازعات، 33.

8- یوسف، 6؛ فرقان، 54.

9- نک: انبیاء، 73؛ سجده، 24.

10- نک: اسراء، 9؛ آل عمران، 19.

4. هیچ عملی از تو ضایع نمی شود: «لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى» (1).

5. زن و مرد در رسیدن به مقامات عالی یکسان اند: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» (2) اگر انسان قرآنی را با انسانی که مکتب های غیرالهی ترسیم کرده اند، در دو تابلورویه روی هم قرار دهیم، به هویت انسان در اسلام و بی هویتی در مکتب های دیگر پی می بریم.

30. نگاه جمعی

اسلام چون مکتبی بر پایه عقل و فطرت است، چشم اندازش را کل بشر قرار داده است؛ یعنی دفاع را برای همه مظلومان، و عزت و پیشرفت و خدمت و ثروت را برای همه می خواهد. کمالات را برای همه عصرها و نسل ها و عرصه ها و کشورها می داند. در آموزه های دینی مشاهده می کنیم که:

* انسان حتی اگر به تنهایی نماز می خواند، حق ندارد فقط خودش را ببیند؛ بلکه باید بگوید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» (3)

یعنی همه ما بنده تو هستیم و هدایت را برای همه بخواهد: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (4)

و به همه سلام کند: «السَّلَامُ عَلَيْنَا» (5)

* اگر دعا می کند، برای همه فقیران، اسیران، بیماران، در راه ماندگان، غریبان و... دعا کند: «... أَللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ غُرْبَانٍ اللَّهُمَّ اقْضِ دَيْنَ كُلِّ مَدِينٍ اللَّهُمَّ فَرِّجْ

ص: 70

1- «من عمل هیچ عمل کننده ای از شما را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد» (آل عمران، 195).

2- احزاب، 35.

3- فاتحه، 5.

4- فاتحه، 6.

5- محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کتاب من لایحضره الفقیه، ج 1، ص 319.

این روحیه برخاسته از همت بلند و اتصال به بی نهایت است. کسانی که خودبین و خودخواه اند، نمی توانند این گونه با سعه صدر برخورد کنند. سفارش های اسلام برای همه است. اگر سخن از تلاش و کسب لقمه حلال و کمک به مظلومان می شود، برای همه است و استثنا ندارد.

31. پویایی

گاهی در بعضی گروه ها و در مناطقی، فکر یا حرکت خوبی پیدا می شود؛ ولی با گذشت زمان، اختلاف و انشعاب و دل سردی پیدا می شود. اسلام می فرماید: «الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ»؛ (2)

یعنی جز افراد باتقوا، ارتباطات مردم به بدبینی و دشمنی تبدیل می شود.

از الطاف خداوند به انسان این است که ورود و خروجش به این دنیا، صادقانه و بدون شک، بدون دل سردی، بدون فتنه و فساد باشد و ختم به خیر شود. قرآن می فرماید: «وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ» (3)

و در ستایش حضرت عیسی (علیه السلام) می فرماید که عیسی روزتولد و روز وفات و روز قیامتش همراه با سلامتی بود: «وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا». (4)

حضرت یوسف (علیه السلام) از خداوند حُسن عاقبت درخواست کرد: «تَوَفَّنِيْ مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِيْ بِالصَّالِحِيْنَ». (5)

ص: 71

1- عباس قمی، کلیات مفاتیح الجنان، ص 282، اعمال مشترک ماه رمضان.

2- «دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزکاران» (زخرف، 67).

3- «و بگو: پروردگارا، مرا [در هر کار] با صداقت وارد کن و با صداقت خارج ساز» (اسراء، 80).

4- «سلام [خدا] بر من، در آن روز که متولد شدم و در آن روز که می میرم و آن روز که زنده برانگیخته خواهم شد» (مریم، 33).

5- «مرا مسلمان بمیران و به صالحان ملحق فرما» (یوسف، 101).

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) همین که خبر شهادتش را از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شنید، به جای آنکه بپرسد کجا و به دست چه کسی و به چه دلیل شهید می شود، فقط فرمود: «أَفِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي؟» (1)

بنا بر آنچه گفته شد، دین داری مهم است؛ ولی دین دار ماندن مهم تر است. قرآن از دینی سخن می گوید که استوار باشد نه عاریه ای: «وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ» (2)

کوتاه سخن آنکه انقلابی بودن مهم نیست؛ انقلابی ماندن مهم است.

به لطف خداوند، انقلاب ایران ماندگار و پویا و بی شک استوار خواهد ماند و اگر گاه و بیگاه ریزشی داشته، در کنارش رویش هایی نیز بوده است. اینوعده خداوند است: «مَنْ يَزِدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» (3) (هرکسی از شما که از دین خود برگردد [به خدا ضرری نمی زند؛ چون] خداوند در آینده قومی را خواهد آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند.)

حتی کسانی که از مسائل یا افراد یا روش ها و مدیریت ها و سیاست هایی انتقاد می کنند، اصل اسلام و انقلاب و نظام را قبول دارند و همین که احساس کنند بیگانگان به فکر تجزیه هستند، بیشتر با هم متحد می شوند.

32. پاک دستی و پارسایی

پاک دستی برای همه واجب و برای مسئولان واجب تر است. برخورد امیرالمؤمنین (علیه السلام) با تقاضای برادرش عقیل را شنیده اید: همین که او

ص: 72

1- «أَيَا لِحِظَةَ شَهَادَتِهِ، دِينٌ مِنْ سَالِمٍ خَوَّاهُ بُوْدُ؟» (عبد الحمید بن هبه الله بن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج 4، ص 108).

2- «این است دین استوار و ثابت» (بینه، 5).

3- مائده، 54.

سهم بیشتری کرد، حضرت آهنی داغ کرد و نزدیک دست برادر آورد و گفت: «تو اگر از حرارت این آتش در هراسی، من از آتش قیامت ترسانم.»

در روایتی دیگر فرمود: «وَإِنِّي أُقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمًا صَادِقًا لَئِن بَلَغَنِي أَنْكَ حُنْتٍ مِنْ فَيْءِ الْمُسَدِّ لِمِينَ شَيْئًا صَدَّ غَيْرًا أَوْ كَبِيرًا لَأَشُدَّ دَنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ تَقِيلَ الظُّهْرَ ضَيْلَ الْأَمْرِ وَالسَّلَامِ.» (1) (به خدا سوگند می خورم، سوگندی صادقانه که اگر به من خبر رسد که در اموال عمومی مسلمانان، کم یا زیاد، خیانت کرده ای، چنان بر تو سخت می گیرم که مالت اندک شود و بار زندگی بر تو سنگینی کند [در هزینه عیال و خانواده در مانده] و خوار شوی. والسلام.)

آن حضرت در جایی دیگر فرمودند: «دَخَلْتُ بِلَادِكُمْ بِإِثْمٍ مَالِي هَذِهِ وَرِحْلَتِي وَرَاحِلَتِي هِيَ فَانَا خَرَجْتُ مِنْ بِلَادِكُمْ بِغَيْرِ مَا دَخَلْتُ فَأَنِّي مِنَ الْخَائِنِينَ.» (2)

([ای مردم عراق،] من با این بارو بند و رحل و راحله و این چند اثاث به دیار شما آمدم و اگر از سرزمین شما با چیزی جز آنچه با آن آمده بودم بیرون بروم، یقیناً من از خیانت کاران خواهم بود.)

و الحمد لله رب العالمین.

ص: 73

1- علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، نامه 20.

2- محمد بن علی بن شهر آشوب سَروِی مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، ج 2، ص 98؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج 40، ص 325.

1. قرآن کریم.
2. ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج 4 و 8، چ 1، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1404ق.
3. ابن شهر آشوب، محمد بن علی بن شهر آشوب سروری مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، ج 1 و 2، چ 1، قم: علامه، 1379ق.
4. ابن ادریس، محمد بن ادریس حلّی، کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، به تحقیق و تصحیح حسن بن احمد موسوی و ابوالحسن بن مسیح، ج 3، چ 2، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1410ق.
5. ابن طاووس، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (سید بن طاووس)، اللهوف علی قتلی الطفوف؛ آهی سوزان بر مزار شهیدان، ترجمه احمد فهری زنجانی، چ 1، تهران: جهان، 1348ش.
6. امینی، عبدالحسین، موسوعه الغدیر فی الكتاب و السنه و الادب، ج 8، چ 5، قم: دائرهالمعارف فقه اسلامی، 1430ق، به نقل از: کتابخانه دیجیتال نور.
7. انصاری شوشتری، مرتضی، القضاء و الشهادات، چ 1، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، 1415ق.
8. باقلانی مالکی، محمد بن طیب، تمهید الاوائل فی تلخیص الدلائل، به تحقیق احمد حیدر، چ 1، بیروت: مؤسسه الکتاب الثقافیه، 1407ق، به نقل از: کتابخانه مدرسه فقاہت.
9. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ج 1 و 5، چ 1، قم: بعثت، 1374ش.

10. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، به تحقیق و تصحیح جلال الدین محدث، ج 1، چ 2، قم: اسلامیہ، 1371ق.
11. بنی ہاشمی خمینی، سید محمد حسین و احسان اصولی، توضیح المسائل مراجع، چ 8، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1424ق.
12. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، به تحقیق و تصحیح سید مہدی رجایی، چ 2، قم: اسلامیہ، 1410ق.
13. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعہ الی تحصیل مسائل الشریعہ، ج 25، چ 1، قم: آل البیت (علیہم السلام)، 1409ق.
14. حمیری قمی، عبداللہ بن جعفر، قرب الإسناد، چ 1، قم: آل البیت (علیہم السلام)، 1413ق.
15. راغب اصفہانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، به تحقیق و تصحیح صفوان عدنان داوودی، چ 1، دمشق و بیروت: دارالعلم و الدار الشامیہ، 1412ق.
16. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویہ قمی، امالی الصدوق، چ 6، تہران: کتابچی، 1376ش.
17. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویہ قمی، عیون اخبار الرضا (علیہ السلام)، به تحقیق و تصحیح مہدی لاجوردی، چ 2، چ 1، تہران: جہان، 1378ق.
18. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویہ قمی، کتاب من لا یحضرہ الفقیہ، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، ج 1 و 4، چ 2، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
19. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویہ قمی، کمال الدین و تمام النعمہ، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، ج 2، چ 2، تہران:

اسلامیه، 1395ق.

20. صدوق (شیخ صدوق)، محمد بن علی بن بابویه قمی، معانی الاخبار، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، چ 1، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1403ق.

21. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، به تحقیق و تصحیح سید محمد باقر خراسان، ج 1 و 2، چ 1، مشهد: مرتضی، 1403ق.

22. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، چ 3، تهران: اسلامیه، 1390ق.

23. طبری آملی مازندرانی، محمد بن جریر بن رستم، تاریخ الطبری؛ تاریخ الأمم والملوک، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج 2، چ 2، بیروت: دار التراث، بی تا، به نقل از: کتابخانه دیجیتال نور.

24. طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، به تحقیق و تصحیح سید حسن موسوی خراسان، ج 6، چ 4، تهران: اسلامیه، 1407ق.

25. طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن، مصباح المتهدّد، ج 2، چ 1، بیروت: فقه الشیعه، 1411ق.

26. طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن، کتاب الغیبه، به تحقیق و تصحیح عبداللّه تهرانی و علی احمد ناصح، چ 1، قم: دارالمعارف الاسلامیه، 1411ق.

27. علی بن ابی طالب (علیه السلام)، نهج البلاغه، به کوشش محمد بن حسین شریف رضی، به تحقیق و تصحیح صبحی سالم، چ 1، قم: هجرت، 1414ق.

28. عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، به تحقیق و تصحیح هاشم

رسولی محلاتی، ج 1، چ 1، تهران: علمیه، 1380ق.

29. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج 4، چ 11، تهران: درس های از قرآن، 1383ش.

30. قطب الدین راوندی، سعیدبن هبهالله، الخرائج و الجرائح، ج 2، چ 1، قم: امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، 1409ق.

31. قمی، عباس، کلیات مفاتیح الجنان، به تصحیح اسماعیل پزشکیان نژاد، به ترجمه مهدی الهی قمشه ای، چ 2، تهران: پزشکیان نژاد و پسران، 1387ش.

32. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمّی، به تحقیق و تصحیح طیب موسوی جزایری، ج 2، چ 3، قم: دارالکتاب، 1404ق.

33. کشّی، محمدبن عمر، اختیار معرفه الرجال المعروف به رجال کشّی؛ مع تعلیقات المیرداماد، به تحقیق و تصحیح مهدی رجایی، ج 2 و 4، چ 1، قم: آل البيت (علیهم السلام)، 1363ش.

34. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج 1 و 5، چ 4، تهران: اسلامیة، 1407ق.

35. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج 36 و 40 و 52 و 83 و 87، چ 2، بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1403ق.

36. مفید (شیخ مفید)، محمدبن محمدبن نعمان عکبری بغدادی، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج 1، چ 1، قم: کنگره هزاره شیخ مفید (رحمه الله)، 1413ق.

37. مفید (شیخ مفید)، محمدبن محمدبن نعمان عکبری بغدادی،

المقنعه، ج1، قم: كنگرة جهانى هزاره شيخ مفيد (رحمه الله)، 1413ق.

38. مكارم شيرازى ناصر و ديگران، تفسير نمونه، ج10، ج41، تهران: اسلاميه، 1380ش.

39. منسوب به امام حسن بن على (عليهما السلام)، التفسير المنسوب الى الامام الحسن العسكرى (عليه السلام)، ج1، قم: مدرسه الامام المهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف)، 1409ق.

40. منسوب به على بن موسى (عليهما السلام)، الفقه المنسوب الى الامام الرضا (عليه السلام)، ج1، مشهد: آل البيت (عليهم السلام)، 1406ق.

41. يعقوبى، احمد بن اسحاق، تاريخ يعقوبى، ج2، ج1، بيروت: دارالصادر، بى تا؛ به نقل از كتابخانه ديگيتال نور.

ص: 78

مسابقه فرهنگی فردای روشن

توضیحات شرکت در مسابقه

* پرسش‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.

* به روش‌های زیر می‌توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

1. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی: برای این کار، کافی است به ترتیب نام مسابقه و شماره گزینه‌های صحیح پرسش‌ها را به صورت یک عدد پنج رقمی، از چپ به راست، همراه با نام و نام خانوادگی خود، به سامانه پیامکی 3000802222 ارسال کنید.

مثال: مبانی قرآنی 21324 احسان رضوانی پور

2. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی:

haram.razavi.ir

3. پاسخ به پرسش‌ها در پاسخ‌نامه: پاسخ‌نامه تکمیل شده را می‌توانید به صندوق‌های مخصوص مستقر در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی فرهنگی بیندازید یا به صندوق پستی 351 - 91735 ارسال کنید.

* هزینه ارسال پاسخ‌نامه از طریق قرارداد «پست جواب قبول» پرداخت شده است و لازم نیست از پاکت و تمبر استفاده کنید.

* آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.

ص: 79

* قرعه کشی از بین پاسخ های کامل و صحیح و به صورت روزانه انجام می شود و نتیجه آن نیز از طریق سامانه پیامکی گفته شده به اطلاع برندگان می رسد.

تذکر: پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامکی جداگانه ارسال کنید. تلفن: 051 - 32002569

ص: 80

پرسش اول: کدام گزینه از نوآوری ها و ابتکارات انقلاب اسلامی ایران است؟

1. طرح دین و دنیا در کنار هم

2. برآمدن انقلاب از ایمان

3. شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی

4. همه گزینه ها

پرسش دوم: مرحله نخست خودسازی که گامی به سوی مرحله جامعه سازی و تمدن سازی است، کدام گزینه است؟

1. عدالت طلبی

2. استقلال

3. رشد معنوی

4. پایداری و استقامتپرسش سوم: بر اساس آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ» عامل گمراه کننده مردم کدام است؟

1. طاغوت

2. شیطان

3. سخن باطل

4. صاحبان قدرت

ص: 81

پرسش چهارم: اسلام مکتب خود را بر چه اساسی بنیاد کرده است؟

1. خدمت، عقل

2. فطرت، عقل

3. پیشرفت، خدمت

4. عزت، خدمت

پرسش پنجم: بر اساس فرمایش حضرت علی (علیه السلام) که می فرماید: «إن ثمنك الجنة» (خود را به کمتر از بهشت نفروشید.) به کدام یک از گزینه های زیر اشاره می کند؟

1. توجه به معنویات

2. توجه به هویت

3. پاک دستی و پارسایی

4. توجه به بایدهای پیش رو

ص: 82

پاسخنامه مسابقه فرهنگی فردای روشن

نام و نام خانوادگی: نام پدر:

تحصیلات: استان: شهر:

تلفن ثابت باکد شهر: شماره همراه:

گزینه	۱	۲	۳	۴
پرشش				
اول				
دوم				
سوم				
چهارم				
پنجم				

نظرسنجی کتاب فردای روشن

ردیف	موضوع	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	میزان رضایت از جذابیت ظاهری (طرح جلد، اندازه و...)					
۲	میزان شیوایی مطالب					
۳	قابلیت فهم مطالب					
۴	میزان جذابیت و تازگی موضوع و مطالب					
۵	میزان تأثیرگذاری و مفید بودن مطالب					
۶	میزان تناسب محتوا با نیاز شما					
۷	میزان تناسب پریشها با موضوع					
۸	میزان رضایت کلی					
پیشنهادها و انتقاداتها:						
.....						
.....						

لبه کاغذ را پس از برش، تازه و بچسبانید

پست جواب قبول



..... فرستنده:

.....

.....

..... کد پستی:

----- از این قسمت تا شود -----

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۲۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی استان قدس رضوی

صندوق پستی: ۳۵۱ - ۹۱۷۳۵

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

